

Research Article

The Role of Public Art Types in the Sociability of Urban Squares Based on Users' Perceptions with a Structural Equation Modeling (SEM) Approach A Case Study of Shohada Square, Mashhad

A. Daneshpour^{1*}, S. Rezaei²

How to cite this article:

Daneshpour, A. and rezaei, S. (2025). The Role of Public Art Types in the Sociability of Urban Squares Based on Users' Perceptions with a Structural Equation Modeling (SEM) Approach A Case Study of Shohada Square, Mashhad. *contextual architecture and urbanism design studies*, 1(2), 348-376.
<https://doi.org/10.22067/cauds.2025.95798.1031>

Receive: 05 October 2025

Revise : 09 October 2025

Accept: 09 October 2025

Available Online: 09 October 2025

Introduction

Urban squares are pivotal public spaces that foster social interactions and embody a city's cultural identity. Shohada Square in Mashhad, Iran, adjacent to the holy shrine of Imam Reza, holds significant potential for sociability due to its cultural-religious context and diverse users, including residents, pilgrims, and merchants. Despite this, past designs have often failed to enhance its physical, social, and activity-related qualities, limiting its role as a vibrant communal space. Public art, including visual, live, interactive, environmental, digital, and architectural forms, is recognized globally as a tool to enhance urban sociability by improving spatial quality and social engagement (Zhu, 2024a, 2024b; Swartjes Berkers, 2025). Local studies in Iran (e.g., Vahdat Sajjadzadeh, 2016) highlight public art's role in enhancing urban spaces but lack quantitative structural analysis. This study addresses this gap by examining how public art types influence the sociability of Shohada Square through users' perceptions, using Structural Equation Modeling (SEM). It explores the impact on physical (accessibility, spatial quality, legibility, spatial continuity), social (social interactions, safety, sense of belonging, presence), and activity-related (functional diversity, eventfulness, vitality) components, identifies the most effective art types, and assesses the mediating roles of physical and activity-related dimensions.

Materials and Methods

This study adopts a quantitative approach using Partial Least Squares Structural Equation Modeling (PLS-SEM). Shohada Square was selected for its strategic location and cultural significance. Data were collected from

1- Professor, School of Architecture and Environmental Design, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran.

2- Master's in Urban Design, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran.

(* - Corresponding Author Email: daneshpour@iust.ac.ir)



©2025 The author(s). This is an open access article distributed under [Creative Commons Attribution 4.0 International License \(CC BY 4.0\)](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/).

<https://doi.org/10.22067/cauds.2025.95798.1031>

240 users (residents, pilgrims, merchants) via 100 in-person questionnaires (simple random sampling) and 140 online Google Forms (targeted distribution), meeting PLS-SEM sample size requirements (130–260 samples; Hair et al., 2017). The questionnaire assessed the impact of public art types on sociability components using a five-point Likert scale, with reliability confirmed by Cronbach's Alpha (0.910–0.935) and validity via content (expert review) and convergent (AVE > 0.5) measures. Analysis using SmartPLS 4 included the PLS algorithm, bootstrapping (5,000 samples), and PLSpredict to evaluate path coefficients, significance ($p < 0.05$), and model fit (Cronbach's Alpha, Composite Reliability, AVE, SRMR).

Results and Discussion

Public art significantly impacts Shohada Square's sociability across physical ($=0.8994$, $p < 0.0001$, $R^2=0.809$), social ($=0.9628$, $p < 0.0001$, $R^2=0.927$), and activity-related ($=0.9107$, $p < 0.0001$, $R^2=0.829$) dimensions, with the social dimension most affected. Visual art excels in enhancing legibility ($=1.082$, $f^2=1.039$) and social interactions ($=1.0000$, $f^2=0.130$), though collinearity (VIF=6.2–7.1) suggests coefficient inflation. Live art boosts vitality ($f^2=2.054$), and interactive art enhances presence ($=0.854$, $f^2=1.373$). Environmental art impacts social interactions ($=0.584$, $f^2=0.626$), while digital and architectural art show weaker effects. Physical (indirect effect= 0.7353 , $p < 0.0001$) and activity-related (indirect effect= 0.788 , $p < 0.0001$) dimensions mediate the social impact, with activities slightly stronger. These align with studies like Daneshpour Ebadi Amooghin (2025), emphasizing cultural elements in sociability.

Conclusion

Public art, particularly visual and live forms, significantly enhances Shohada Square's sociability, with activity-related mediation being key in its cultural-religious context. Planners should prioritize these art types to boost presence and social interactions. Future studies should address collinearity and expand to diverse urban contexts.

Acknowledgement

The authors express gratitude to the users of Shohada Square for their participation and to the urban design experts who validated the questionnaire. No external funding was received for this study.

Keywords:

Public art, sociability, urban square, structural equation modeling (SEM), Shohada Square, Mashhad.

مقاله پژوهشی

نقش مصادیق هنر عمومی در اجتماع‌پذیری میدان‌های شهری بر اساس نظرات کاربران فضا با رویکرد مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM): مطالعه موردی: میدان شهدا، مشهد

عبدالهادی دانشپور^۱، سمیه رضایی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۱۷

چکیده

فضاهای عمومی به‌ویژه میدان‌ها، از مهم‌ترین عناصر ساخت فضایی شهر و بستر اصلی تعاملات اجتماعی هستند. میدان شهدا در مشهد، به دلیل قرارگیری در مجاورت حرم مطهر امام رضا (ع) و زمینه فرهنگی - مذهبی ویژه خود، پتانسیل بالایی برای اجتماع‌پذیری دارد. با این حال، طرح‌های گذشته نتوانسته‌اند کیفیت‌های کالبدی و اجتماعی این میدان را به طور مؤثر بهبود دهند؛ لذا لزوم بازنگری در طراحی این میدان و بهره‌گیری از ابزارهای خلاقانه مانند هنر عمومی برای تقویت اجتماع‌پذیری حائز اهمیت است. این پژوهش باهدف واکاوی نقش مصادیق هنر عمومی در ارتقا اجتماع‌پذیری میدان شهدا، بر اساس نظرات کاربران فضا و با رویکرد مدل‌سازی معادلات ساختاری انجام شده است. پرسش‌های اصلی تحقیق شامل تأثیر هنر عمومی بر مؤلفه‌های اجتماع‌پذیری (کالبدی، اجتماعی و فعالیتی)، شناسایی مصادیق هنر عمومی تأثیرگذار و نقش میانجی مؤلفه‌های کالبدی و فعالیتی در ارتقا اجتماع‌پذیری میدان شهدا است. این مطالعه دارای رویکرد کمی است و با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری (PLS-SEM)، داده‌های ۲۴۰ کاربر میدان تحلیل شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که هنر عمومی تأثیر قوی و معناداری بر مؤلفه‌های کالبدی (ضریب مسیر=0.8994، $p > 0.0001$ ، $R^2=0.809$)، اجتماعی (ضریب مسیر=0.9628، $p > 0.0001$ ، $R^2=0.927$) و فعالیتی (ضریب مسیر=0.9107، $p > 0.0001$ ، $R^2=0.829$) دارد. در میان مصادیق هنر عمومی، هنر تجسمی (ضریب مسیر=1.000 برای مؤلفه اجتماعی، $f^2=0.130$) و هنر زنده ($f^2=2.054$) بیشترین تأثیر را دارند. در سطح زیرمؤلفه‌های اجتماع‌پذیری، امنیت ($f^2=0.518$) و تعاملات اجتماعی ($f^2=0.626$) به‌عنوان زیرمؤلفه‌های با بیشترین تأثیر از هنر عمومی شناسایی شده‌اند. نقش میانجی مؤلفه کالبدی (اثر غیرمستقیم=0.7353، $p > 0.0001$) و فعالیتی (اثر غیرمستقیم=0.788، $p > 0.0001$) نیز تأیید شده است.

واژه‌های کلیدی: هنر عمومی، اجتماع‌پذیری، میدان شهری، مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM)، میدان شهدا مشهد .

۱- استاد، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران

۲- کارشناس ارشد طراحی شهری دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.

*- نویسنده مسئول: (Email: daneshpour@iust.ac.ir)

 <https://doi.org/10.22067/cauds.2025.95798.1031>

نحوه ارجاع به این مقاله:

دانشپور، عبدالهادی و رضایی، سمیه. (۱۴۰۴). نقش مصادیق هنر عمومی در اجتماع‌پذیری میدان‌های شهری بر اساس نظرات کاربران فضا با رویکرد مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM)

مطالعه موردی: میدان شهدا، مشهد. *مطالعات طراحی معماری و شهرسازی زمینه‌گر*، ۱ (۲)، ۳۴۸-۳۷۶. <https://doi.org/10.22067/cauds.2025.95798.1031>

مقدمه و بیان مسئله

در ادبیات پژوهشی فارسی، هنر عمومی به‌عنوان ابزاری مؤثر برای ارتقا کیفیت فضاهای شهری مورد توجه قرار گرفته است. وحدت و سجادزاده (Vahdat & Sajjadzadeh, 2016) در مطالعه‌ای در پارک مردم همدان، نقش گرافیک شهری را در تقویت عوامل کالبدی، اجتماعی، معنایی و محیطی بررسی کرده‌اند. در مطالعات موردی دیگر، رستمی و همکاران (Rostami, Sarvi Zargar & Eyni, 2017) مؤلفه‌های هنر عمومی را در پارک‌های لامپینی بانکوک و ایل گلی تبریز ارزیابی کرده و بر لزوم تطبیق هنر با زمینه فرهنگی برای افزایش حضورپذیری تأکید ورزیدند. بهرامی نیکو و سجادزاده (Bahrami Nikoo & Sajjadzadeh, 2018) نقش هنر عمومی را در آفرینش مکان‌های شهری بوستان‌های ملت و آب‌و‌آتش تهران تبیین کرده و همبستگی هنر عمومی با ابعاد فعالیت، فرم و معنا را تأیید کرده‌اند. غفاری گیلانده و همکاران (Ghafari Gilandeh, Vaezi & Dadazadeh, 2020) در بررسی پارک ساحلی اردبیل، مؤلفه‌های هنر شهری مانند نورپردازی و المان‌های تعاملی را در ارتقای مردم‌گرایی مؤثر دانسته‌اند. همچنین، مختاری حاجی توران‌پشتی (Mokhtari, Haji Turan-Poshti, 2021) تأثیر هنر محیطی بر کیفیت فضاهای شهری در محدوده پارک شهر و تئاتر شهر تهران را تحلیل و تأکید کرده است که هنر محیطی می‌تواند تعاملات اجتماعی و زیست‌محیطی را بهبود بخشد. ولایتی و عبداللہی فرد (Abdollahi, Fard & Velayati, 2022) نیز اثر انواع هنر عمومی بر نشاط درک‌شده جوانان را بررسی کرده و نتایج نشان‌دهنده تأثیر مثبت هنرهای تعاملی و دیجیتال بر سرزندگی فضایی است. آروین و همکاران (Arvin, Ghane & Pourahmad, 2022) قابلیت‌های هنر عمومی در بازآفرینی فرهنگ‌مبنا در محله عودلاجان را ارزیابی کرده‌اند و پیشنهادهایی برای سیاست‌گذاری شهری ارائه داده‌اند. فرح‌بخش دقیق و محمدی (Farahbakhsh Daghigh & Mohammadi, 2022) تأثیر هنر عمومی بر زندگی روزمره و کنش مصرف‌خلاقانه فضا در محدوده تئاتر شهر تهران را بررسی کرده و نقش آن در تقویت آگاهی اجتماعی را برجسته ساخته‌اند. یزدانی و همکاران (Yazdani, Abdollahi Fard, Velayati & Saeidi Zarangi, 2023) اثر هنر عمومی بر نشاط بانوان اردبیل را تحلیل کردند. در نهایت، کریم‌خواه و همکاران (Karimkhah, Ranjbar & Behzadfar, 2025) مکان‌یابی فضاهای عمومی مناسب برای هنر شهری در محله جهانشهر کرج را مطالعه

فضاهای عمومی شهری به‌عنوان بستر اصلی تعاملات اجتماعی و حفظ هویت فرهنگی جوامع، نقش مهمی در کیفیت زندگی شهروندان ایفا می‌کنند (Gehl, 2011). با این حال، در دوران مدرن، بسیاری از این فضاها به دلیل یکنواختی کالبدی و کاهش تعاملات اجتماعی، کارکرد واقعی خود را از دست داده‌اند (Carmona, Heath, Oc & Tiesdell, 2003). کیفیت فضاهای عمومی و عناصر شهری مستقر در فضا می‌تواند زمینه‌ساز حضور یا عدم حضور شهروندان در فضاهای شهری باشد. یکی از عناصر و ابزارهای کاربردی مؤثر در این زمینه که نقش مؤثری در پایداری اجتماعی و تحکیم نمادهای فرهنگی و تلفیق آن‌ها در فضاهای شهری دارد، هنر است. (Remesar, 2005) در دهه‌های اخیر، هنر عمومی با مصادیقی چون نقاشی‌های دیواری، مجسمه‌ها، هنر تعاملی و هنر دیجیتال به‌عنوان ابزاری مؤثر برای بازآفرینی فضاهای شهری و تقویت حضورپذیری آن‌ها شناخته شده است.

مطالعات بین‌المللی نشان داده‌اند که اشکال نوین هنر عمومی می‌تواند تعاملات اجتماعی و آگاهی جمعی را ارتقا دهد. ژو (Zhu, 2024a; Zhu, 2024b) هنر عمومی را ابزاری برای پایداری اجتماعی و زیست‌محیطی معرفی کرده و نقش آن را در بازآفرینی شهری و مشارکت اجتماعی نشان داده است. سوارتجس و برکرز (Swartjes, Berkers, 2022) مفهوم «فضاهای تعاملی طراحی شده» را بررسی کرده و نشان دادند که طراحی فضایی و برنامه‌ریزی، تعاملات اجتماعی بین گروه‌های متنوع را تقویت می‌کند. میکونی و همکاران (Mikuni et al., 2024) نقش «هنر عمومی مجازی فراگیر» را در ایجاد محیط‌های ترمیمی با استفاده از فناوری‌های هوش مصنوعی و واقعیت مجازی بررسی کرده و تأثیر آن بر سلامت روان و اجتماع‌پذیری نشان داده‌اند. هوپ و همکاران (Hoop et al., 2022) انواع مداخلات هنری شهری را ارائه کردند که از زیباسازی تا اعتراضات سیاسی متغیر بوده و به انسجام اجتماعی و بازآفرینی فضاها کمک می‌کند. با این حال، تطبیق این یافته‌ها با زمینه‌های بومی ایران نیازمند پژوهش‌های محلی است. این مطالعه با پر کردن این شکاف‌ها، درک بهتری از تأثیرات هنر عمومی بر پویایی فضاهای شهری ارائه می‌دهد.



بررسی روابط میانجی میان مؤلفه‌های کالبدی، اجتماعی و فعالیتی اجتماع‌پذیری در میدان شهید.

این پژوهش باتکیه بر داده‌های میدانی و تحلیل SEM، تلاش دارد درک جامعی از نقش مصادیق هنر عمومی در اجتماع‌پذیری میدان شهید بر اساس نظرات کاربران ارائه دهد.

مبانی نظری:

در بخش مبانی نظری واژگان اصلی پژوهش شامل مفاهیم میدان شهری، اجتماع‌پذیری و هنر عمومی و مصادیق آن مورد بررسی قرار گرفته است.

تعاریف و انواع هنر عمومی

هنر عمومی به‌عنوان پدیده‌ای چندوجهی، از دیرباز در زندگی روزمره انسان‌ها حضور داشته و با پیشرفت جوامع، معانی و کارکردهای آن دستخوش تحولات گسترده‌ای شده است. از دهه ۱۹۶۰ میلادی، با ورود هنر عمومی به مباحث قلمرو عمومی، از جمله فضاهای شهری، منظره‌های طبیعی و طراحی‌شده، توجه هنرمندان، برنامه‌ریزان شهری، معماران، جغرافی‌دانان، جامعه‌شناسان و سیاست‌مداران را به خود جلب کرده است. تعریف اولیه هنر عمومی به‌عنوان هنری که در فضاهای عمومی واقع شده محدود به نظر می‌رسد. تلاش نظریه‌پردازان کلاسیک و مدرن برای ارائه تعاریف جامع‌تر، این مفهوم را به ابزاری پویا برای تعامل اجتماعی، بازتاب ارزش‌های فرهنگی و توسعه پایدار شهری تبدیل کرده است.

هنر عمومی در فضاهای شهری

هنر عمومی از دیدگاه نظریه‌پردازان کلاسیک با تمرکز بر قلمرو عمومی و نقش اجتماعی آن شکل گرفته است. یورگن هابرماس (Habermas, 1962) فضای شهری را فضایی گفتگومانی برای تعاملات اجتماعی و سیاسی توصیف کرد که هنر عمومی را به ابزاری برای تسهیل گفتگو در شهرها تبدیل می‌کند. سلمان مرادی ریشه‌های تاریخی هنر عمومی را با قدرت‌های سیاسی، مذهبی و اقتصادی پیوند داده و آن را آیینی از هویت اجتماعی جامعه می‌داند. (Moradi, 2007) هیلده هاین هنر عمومی را مبهم اما مرتبط با جامعه مدنی و موجودیت اجتماعی-سیاسی تعریف می‌کند (Hein, 2007).

کرده‌اند و معیارهایی مانند دسترسی و خوانایی را برای جانمایی هنر عمومی پیشنهاد داده‌اند. این مطالعات دیدگاه‌های ارزشمندی درباره تأثیر هنر عمومی در بهبود کیفیت فضاهای شهری ارائه می‌دهند و راهکارهایی نوآورانه برای بهره‌گیری از هنر عمومی در فرآیندهای توسعه و بازسازی شهری پیشنهاد می‌کنند؛ اما اغلب این مطالعات به تحلیل‌های کیفی یا موردی محدود مانده‌اند و این موضوع نشان‌دهنده شکاف پژوهشی در تحلیل‌های ساختاری کمی هنر عمومی بر کیفیات فضای شهری و به خصوص اجتماع‌پذیری میدان‌های شهری است. پژوهش حاضر سعی دارد با رویکرد SEM به پر کردن این شکاف پژوهشی بپردازد. میدان شهید در شهر مشهد، با ویژگی‌های کالبدی متنوع (مانند دسترسی‌ها، فضاهای باز و المان‌ها) و حضور روزانه هزاران شهروند و زائر در مجاورت حرم مطهر امام رضا (ع)، بستری مناسب برای این پژوهش فراهم می‌کند.

براین اساس شرح اجمالی محتوا و روند پژوهش به این ترتیب است که ابتدا مصادیق هنر عمومی و مؤلفه‌های اجتماع‌پذیری میدان‌های شهری با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی استخراج گردیده و سپس با توجه به مصادیق و مؤلفه‌های استخراج شده، پرسش‌نامه پژوهش تهیه و در میدان شهید توسط کاربران فضا تکمیل شده است. در مرحله بعد، پرسش‌نامه‌های جمع‌آوری شده با روش معادلات ساختاری و با استفاده از نرم‌افزار smartpls4 در جهت پاسخگویی به اهداف و سؤال‌های تحقیق، مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته است.

سؤالات پژوهشی این مطالعه عبارت‌اند از: نقش هنر عمومی در ارتقای مؤلفه‌های کالبدی، اجتماعی و فعالیتی اجتماع‌پذیری میدان شهید چیست؟ کدام یک از مصادیق هنر عمومی بیشترین تأثیر را بر ارتقا مؤلفه‌های اجتماع‌پذیری میدان شهید دارند؟ آیا مؤلفه‌های کالبدی و فعالیتی به‌عنوان متغیر میانجی، از طریق هنر عمومی می‌توانند به ارتقای کیفیت‌های اجتماعی و در نهایت اجتماع‌پذیری منجر شوند؟ و آیا هنر تعاملی از طریق ارتقای کیفیت‌های فعالیتی، نقشی مشابه ایفا می‌کند؟

اهداف پژوهش شامل موارد زیر است: تحلیل ساختاری تأثیر مصادیق هنر عمومی بر مؤلفه‌های اجتماع‌پذیری میدان شهید با روش SEM، شناسایی مصادیق هنر عمومی با بیشترین تأثیر بر اجتماع‌پذیری و

شهر کمک می‌کند، بلکه ارزش‌های فرهنگی و تاریخی محله‌ها را بازتاب داده و با جذب گردشگران، اقتصاد شهری را تقویت می‌کند (Brennan, 2019). همچنین، هنر عمومی می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای آموزش و افزایش آگاهی درباره مسائل زیست‌محیطی، اجتماعی و فرهنگی عمل کرده و با ایجاد تجربه‌های چندحسی، تعاملات اجتماعی را تقویت کند (Jiang et al., 2025; Zhu, 2024b). سوارتجس و برکرز (Swartjes & Berkers, 2022) تأکید می‌کنند که هنر عمومی، به‌ویژه جشنواره‌های موسیقی، می‌تواند به‌عنوان فضاهای "تعاملی طراحی شده" عمل کند که تعاملات اجتماعی بین گروه‌های متنوع را از طریق طراحی فضایی و برنامه‌ریزی استراتژیک تسهیل می‌کند و به ایجاد فضاهای شهری فراگیر کمک می‌کند که در آن‌ها تنوع به یک هنرجار تبدیل می‌شود. میکونی و همکاران (Mikuni et al., 2024) که تعامل با مداخلات هنری در فضاهای عمومی شهری، می‌تواند اضطراب، استرس و حالات منفی را کاهش داده و سلامت روان را بهبود بخشد. لی و همکاران (Li, Shukor, Mat Noor, & Hasna, 2024) بر نقش هنر عمومی مجازی فراگیر، با استفاده از فناوری‌های هوش مصنوعی و واقعیت مجازی در ایجاد محیط‌های ترمیمی تأکید دارند که از طریق تعاملات چندحسی، تجربه‌های دوری از روزمرگی، جذابیت و سازگاری را تقویت کرده و به سلامت روان و بهزیستی ساکنان شهری کمک می‌کنند. هوپ و همکاران (Hoop et al., 2022) بر نقش مداخلات هنری شهری در به چالش کشیدن ساختارهای قدرت شهری، تقویت انسجام اجتماعی و بازآفرینی فضاهای شهری از طریق اهداف اجتماعی، سیاسی و زیبایی‌شناختی تأکید دارند، که از زیباسازی ساده تا اعتراضات سیاسی متغیر است. این دیدگاه‌ها نشان می‌دهند که هنر عمومی امروز هم جنبه زیبایی دارد و هم راه‌حلی برای مسائل امروزی همچون مشارکت، مباحث زیست‌محیطی و پایداری و نابرابری اجتماعی است.

با پیشرفت شهرنشینی، نظریه‌پردازان مدرن بر جنبه‌های تعاملی و فرهنگی هنر عمومی تأکید می‌کنند. سهراب ارمجانی با اسطوره‌زدایی از هنر، اولویت را بر احتیاجات مردم به جای سلیقه هنرمند قرار داده است (Armajani, 2005). سوزان لسی آن را ابزاری برای بیان خواسته‌های اجتماعی توصیف می‌کند (Lacy, 1995). پاتریشیا فیلیپس تنوع رسانه‌ای و موقتی/دائمی بودن هنر عمومی را برجسته کرده (Phillips, 1988) و راسل دویچ آن را در بستر جامعه‌شناختی شهری تحلیل می‌کند (Deutsche, 1996). مالکوم مایلز بر نقش هنر عمومی در بازسازی شهری و هویت جمعی تأکید می‌کند (Miles, 1997, as cited in Andrews, 2012).

نظریه‌پردازان معاصر با نگاهی به چالش‌های امروزی شهرها، هنر عمومی را به ابزاری کاربردی و آینده‌نگرانه تبدیل کرده‌اند که هم زندگی روزمره مردم را بهبود می‌بخشد و هم به مسائل جهانی پاسخ می‌دهد. آن‌ها معتقدند هنر عمومی به مجموعه آثار و فعالیت‌های هنری گفته می‌شود که در فضاهای عمومی شهری اجرا شده و با هدف تقویت هویت فرهنگی، بهبود کیفیت زندگی شهری، بازآفرینی فضاهای شهری، ارتقای انسجام اجتماعی و ایجاد تحولات اجتماعی و سیاسی طراحی می‌شوند. این هنر می‌تواند به‌صورت یکپارچه با طراحی شهری یا مستقل، در قالب‌های دوبعدی یا سه‌بعدی، با استفاده از مواد متنوع مانند سنگ، چوب، شیشه، سیمان، یا فناوری دیجیتال و به‌صورت دائمی یا موقت ارائه شود. (Knight, 2008; Zhu, 2024a)

هنر عمومی به‌عنوان ابزاری برای مکان‌سازی عمل کرده، با درگیر کردن گروه‌های مختلف جمعیتی، فضاهای شهری فراگیر و پویا ایجاد می‌کند و از طریق گفت‌وگوهای معنادار، بازنمایی هویت‌های فرهنگی و کاهش نابرابری‌های اجتماعی، کیفیت زندگی شهری را بهبود می‌بخشد (Mehan & Alikhani, 2025). این هنر نه‌تنها به زیباسازی

جدول ۱: ویژگی‌های هنر عمومی

منابع اصلی	توضیحات	ویژگی‌ها
		باتوجه به هنرمند
Armajani, 1995 ; Lacy, 1995	هنرمند به‌عنوان تسهیل‌گر عمل کرده و نیازهای جامعه را بر سلیقه شخصی مقدم می‌دارد، باهدف اسطوره‌زدایی از هنر و تقویت تعامل اجتماعی.	نقش ضعیف هنرمند و اولویت احتیاجات مردم
Miles, 1994; Moradi, 2007 ; Hoop et al., 2022	آثار هنری بازتاب‌دهنده شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی محیط خود هستند و به هویت جمعی جامعه کمک می‌کنند.	بازتاب زمینه شکل‌گیری اثر

ویژگی‌ها	توضیحات	منابع اصلی
ایجاد تحولات اجتماعی و سیاسی	هنرمندان از طریق مداخلات هنری، ساختارهای قدرت شهری را به چالش کشیده و به تحولات اجتماعی و سیاسی کمک می‌کنند.	Hoop et al., 2022
باتوجه به اثر هنری		
قرارگیری در فضاهای باز شهری	آثار در فضاهای عمومی مانند میادین، پارک‌ها، یا خیابان‌ها قرار گرفته و برای دسترسی همگانی طراحی می‌شوند.	Knight, 2008; Zhu, 2024a
جلب توجه و ایجاد لذت	آثار با ایجاد تجربه‌های بصری و چند حسی، توجه مخاطبان را جلب کرده و حس لذت و آرامش را منتقل می‌کنند.	Brennan, 2019; Li et al., 2024
انسانی‌سازی محیط و معنا‌افزایی	آثار به فضاهای شهری معنا و هویت بخشیده و محیط را برای ساکنان انسانی‌تر می‌کنند.	Mehan & Alikhani, 2025
کوتاه‌مدت یا بلندمدت بودن	آثار می‌توانند موقت (مانند نصب‌های هنری) یا دائمی (مانند مجسمه‌ها) باشند و بر اساس نیازهای شهری طراحی شوند.	Phillips, 1988; Zhu, 2024b
تغییر منظر شهری و انسجام‌بخشی	آثار به بازآفرینی شهری، زیباسازی و تقویت انسجام اجتماعی از طریق مکان‌سازی کمک می‌کنند.	Brennan, 2019; Mehan & Alikhani, 2025; Swartjes & Berkers, 2022
استفاده از فناوری‌های نوین	آثار دیجیتال و غوطه‌ور مجازی با استفاده از هوش مصنوعی و واقعیت مجازی، محیط‌های ترمیمی ایجاد کرده و سلامت روان را بهبود می‌بخشند.	Li et al., 2024; Jiang et al., 2025
باتوجه به مخاطب		
اشتراکی بودن و تعامل با عموم	آثار با مشارکت مخاطبان خلق شده یا امکان تعامل فعال با آن‌ها را فراهم می‌کنند، مانند آثار تعاملی و غوطه‌ور مجازی.	Armajani, 1995; Lacy, 1995; Mikuni et al., 2024; Li et al., 2024
بازتاب هویت جمعی و مشارکت‌پذیری	آثار هویت فرهنگی و اجتماعی جامعه را بازتاب داده و از طریق مشارکت عمومی، حس مالکیت جمعی را تقویت می‌کنند.	Deutsche, 1996; Zhu, 2024a; Mehan & Alikhani, 2025
دسترسی همگانی و دیده‌شدن حاشیه‌ها	آثار برای دسترسی همه گروه‌ها طراحی شده و به بازنمایی گروه‌های حاشیه‌ای و کاهش نابرابری‌های اجتماعی کمک می‌کنند.	Mehan & Alikhani, 2025; Hoop et al., 2022
دیالوگ اجتماعی - سیاسی	آثار به‌عنوان ابزاری گفتگومانی، تعاملات اجتماعی و سیاسی را تسهیل کرده و به مسائل زیست‌محیطی، اجتماعی و سیاسی پاسخ می‌دهند.	Habermas, 1962; Hoop et al., 2022; Swartjes & Berkers, 2025

درنهایت می‌توان گفت هنر عمومی، پدیده‌ای پویا و چندلایه و ابزاری گفتگومانی و تعاملی در قلمرو عمومی است که از ریشه‌های تاریخی و فرهنگی تا جنبه‌های مدرن مشارکت و پایداری را شامل می‌شود. این هنر با اسطوره‌زدایی از نقش هنرمند، اولویت‌دادن به احتیاجات مردم و ادغام فناوری به‌عنوان ابزاری برای بازتاب هویت جمعی، تعامل اجتماعی و توسعه پایدار عمل می‌کند.

انواع و مصادیق هنر عمومی در فضاهای شهری

هنر عمومی به‌عنوان ابزاری چندوجهی برای تقویت هویت فرهنگی، بازآفرینی فضاهای شهری و ارتقای تعاملات اجتماعی، از تنوع گسترده‌ای در انواع و کارکردها برخوردار است. بر اساس مطالعات، این هنر بر مبنای مؤلفه‌های ساختاری مانند بازه زمانی

(دائمی یا موقت)، فضای جانمایی (عمومی، نیمه عمومی، خصوصی)، نوع اثر (ثابت، نیمه ثابت، غیرثابت)، رویکرد اجرایی (تکاملی یا مشارکتی)، مدیریتی (خصوصی، عمومی، دولتی)، موضوعی (نمایشی، آیینی، محیطی - مردمی) و ماهیت خالق اثر (خودجوش، مشارکتی، تخصصی) دسته‌بندی می‌شود ([Shahabian, 2011; Abasgolizadeh, 2012; Haghghi, 2012](#)). واوسوی و بایرام سه شکل اصلی هنر عمومی را تاریخی، زیبایی‌شناختی و عملکردی معرفی کرده‌اند ([Ozsoy & Bayram, 2007](#)). رمسار هنر عمومی را شامل وقایع، کارهای برجسته، فعالیت‌های نمایشی و موسیقی و به‌طور کلی فعالیت‌های خلاقانه و بیان‌گرا می‌داند ([Remesar, 2005](#)). هانسلی گونه‌هایی چون پوسترها، نقاشی‌های دیواری، فستیوال‌ها،

الکساندریا، با مشارکت مخاطبان، حس مالکیت عمومی را تقویت می‌کند (Brennan, 2019). هنر دیجیتال با استفاده از فناوری‌هایی مانند واقعیت افزوده، به بازآفرینی فضاهای شهری کمک می‌کند (Jiang et al., 2025). هنر پایدار، مانند پروژه ۷۰۰۰ بلوط، آگاهی زیست‌محیطی را ارتقا می‌دهد (Zhu, 2024a). هنر اجرایی، مانند جشنواره‌های موسیقی روتردام، فضاهای «تعامل طراحی‌شده» ایجاد کرده و تعاملات اجتماعی را تسهیل می‌کند (Swartjes & Berkers, 2025). «هنر عمومی مجازی فراگیر»، مانند آثار پروژه بدون مرز تیم‌لب، تجربه‌های چندحسی و ترمیمی ارائه می‌دهد که به سلامت روان کمک می‌کند (Li et al., 2024). این تنوع، هنر عمومی را به ابزاری پویا برای مکان‌سازی و بهبود کیفیت زندگی شهری تبدیل کرده است (Mehan & Alikhani, 2025).

مجسمه‌های زنده، هنرهای نمایشی، مجسمه‌ها، بناهای یادبود، مبلمان شهری و بناهای معماری را پیشنهاد می‌کند (Hensley, 2010). شورای هنری منهن (2005) نیز بناهای یادمانی، مجسمه، آب‌نما، هنرهای دست‌ساز و عناصر محیطی را به‌عنوان انواع هنر عمومی برمی‌شمرد (Vadadi-Moghadam, 2011). از منظری دیگر، هنر عمومی در قالب‌هایی چون نقاشی دیواری، مجسمه، هنر تعاملی، دیجیتال، پایدار و اجرایی نمود می‌یابد که هر یک کارکردهای ویژه‌ای در فضاهای شهری دارند. نقاشی‌های دیواری، مانند پروژه دیوارنگاری فیلادلفیا، برای بازنمایی هویت محله‌ای و مسائل اجتماعی طراحی می‌شوند (Brennan, 2019). (Zhu, 2024b). مجسمه‌ها، مانند مجسمه فرشته شمال^۳، به‌عنوان نشانه‌های شهری عمل کرده و ارزش‌های فرهنگی را بازتاب می‌دهند (Knight, 2008). هنر تعاملی، مانند نصب پروژه آینه^۴ در

جدول ۲: مصادیق هنر عمومی در متون شهرسازی

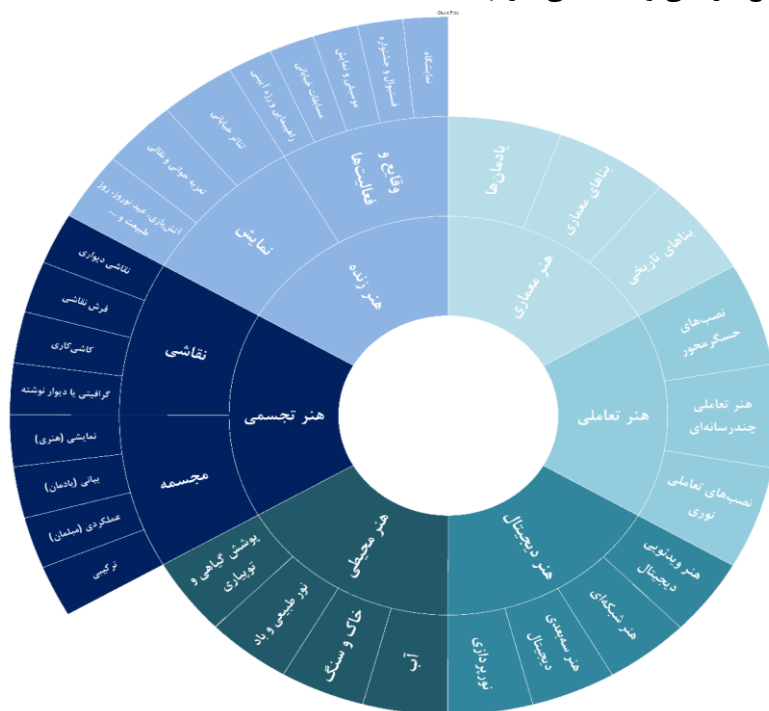
منابع	ویژگی‌ها	توضیحات	هنر عمومی
Brennan, 2019; Zhu, 2024; Mehan & Alikhani, 2025; Karimkhah, Ranjbar & Behzadfar, 2025; Vadadi-Moghadam, 2011	برای زیباسازی، آموزش یا بیان مسائل اجتماعی مانند برابری یا مهاجرت؛ دائمی یا موقت.	آثار دوبعدی روی دیوارهای شهری برای بازنمایی هویت محله‌ای، مسائل اجتماعی یا تاریخ فرهنگی؛ می‌تواند مشارکتی باشد (مانند پروژه دیوارنگاری فیلادلفیا).	نقاشی دیواری
Knight, 2008; Zhu, 2024; Hunting, 2005	برای بیان ارزش‌های فرهنگی یا تاریخی؛ ادغام با معماری شهری.	آثار سه‌بعدی دائمی یا موقت در فضاهای عمومی مانند پارک‌ها یا میداين؛ به‌عنوان نشانه‌های شهری عمل می‌کنند (مانند مجسمه فرشته شمال).	مجسمه
Brennan, 2019; Zhu, 2024; Jiang et al., 2025; Hoop et al., 2022	برای درگیرکردن مخاطبان و تقویت حس مالکیت عمومی؛ اغلب موقت.	آثاری که با مشارکت فعال مخاطبان تکمیل می‌شوند (مانند آینه در الکساندریا)؛ می‌توانند جنبه‌های اجتماعی یا سیاسی داشته باشند.	هنر تعاملی
Jiang et al., 2025; Zhu, 2024	با فناوری‌های نوین برای جذب مخاطبان جوان‌تر.	آثاری با فناوری دیجیتال مانند پروجکشن یا واقعیت افزوده؛ برای بازآفرینی شهری.	هنر دیجیتال
Zhu, 2024; Zhu, 2024b.	افزایش آگاهی زیست‌محیطی و پایداری شهری.	آثاری با مواد سازگار با محیط‌زیست یا موضوعات زیست‌محیطی (مانند پروژه ۷۰۰۰ بلوط).	هنر پایدار
Brennan, 2019; Zhu, 2024; Swartjes & Berkers, 2025; Attar, Mazhari, & Afzali Behbehani, 2013	موقت و برای تعامل مستقیم با مخاطبان.	تئاتر خیابانی، اجراهای زنده برای جلب توجه به مسائل اجتماعی یا فرهنگی (مانند Poetry on Buses یا جشنواره‌های موسیقی در روتردام)	هنر اجرایی
Mehan & Alikhani, 2025; Hoop et al., 2022.	مشارکتی و پاسخ به نیازهای گروه‌های خاص.	آثاری برای گروه‌های جمعیتی خاص (مانند رقص‌های فولکلوریک)؛ به انسجام اجتماعی کمک می‌کند.	هنر مبتنی بر دموگرافیک
Bolonaki, 2023; Zhu, 2024; Hunting, 2005; Vadadi-Moghadam, 2011	مرتبط با فرهنگ‌های زیرزمینی و بیان مسائل اجتماعی.	آثاری غیررسمی یا با مجوز مانند گرافیتی؛ بخشی از طیف گسترده هنر عمومی.	هنر خیابانی



منابع	ویژگی‌ها	توضیحات	هنر عمومی
Li et al., 2024.	تقویت تجربه‌های ترمیمی و سلامت روان.	آثاری با فناوری‌های AI و VR برای محیط‌های تعاملی (مانند teamLab Borderless)	هنر مجازی تعاملی
Hoop et al., 2022.	تمرکز بر اهداف سیاسی و اجتماعی؛ اغلب موقت.	آثاری برای چالش ساختارهای قدرت و اعتراض به نابرابری‌ها (مانند نصب یا گرافیتی).	هنر سیاسی و اعتراضی
Remesar, 2005; Hensley, 2010; Vadadi-Moghadam, 2011	ثبات و هویت‌بخشی به فضاهای شهری.	آثار دائمی مانند یادمان‌ها برای گرامی‌داشت رویدادها یا شخصیت‌های تاریخی.	بناهای یادبود و تاریخی
Remesar, 2005	بهبود کیفیت بصری و عملکردی فضا.	طراحی‌های هنری مانند نیمکت‌ها و ایستگاه‌های اتوبوس برای کیفیت فضا.	مبلمان شهری
Dadfar, Ghamari, & Mirmarashi, 2012; Hensley, 2010.	پویایی و سرزندگی فضاهای شهری.	رویدادهای موقت مانند کنسرت‌های خیابانی و راهپیمایی‌های آیینی.	فستیوال‌ها و رویدادها

در این پژوهش مصادیق هنر عمومی در شش دسته اصلی شامل هنر تجسمی، هنر زنده، هنر تعاملی، هنر محیطی، هنر دیجیتال و هنر معماری در نظر گرفته شده است.

پس از بررسی تعاریف و دسته‌بندی‌هایی که توسط نظریه‌پردازان مختلف پایه‌گذاری شده، چارچوبی فراهم شد تا بتوان گونه‌های متنوع هنر عمومی را در بستر عملی کاوش کنیم. اکنون با تکیه بر مطالعات موردی به‌روز از منابع فارسی و انگلیسی، در نهایت



شکل ۱: مصادیق هنر عمومی

میدان‌های شهری

میدان‌های شهری از مهم‌ترین فضاهای عمومی شهرها هستند که به‌عنوان گره‌های کالبدی و اجتماعی، نقش کلیدی در گردهمایی شهروندان، تقویت تعاملات اجتماعی و بازتولید هویت شهری ایفا می‌کنند. سیت (Sitte, 1889) میدان‌ها را فضاهایی وسیع و مناسب برای اجتماعات عمومی می‌داند که در صورت فقدان طراحی مناسب، به مکان‌هایی صرفاً عبوری تبدیل می‌شوند. لینچ (Lynch, 1960)، میدان‌های شهری را به‌عنوان گره‌های کلیدی در ساختار شهر تعریف می‌کند که معمولاً در محل تقاطع راه‌ها و یا تجمع پاره‌ای از فعالیت‌ها به‌وجود می‌آیند و در ذهن شهروندان به‌عنوان نقاط عطف و مکان‌های شاخص ثبت می‌شوند. ماتین (Moughtin, 2003) یک میدان یا پلازا هر دو را فضاهایی طراحی شده می‌داند که با محصوریت ساختمان‌ها و صحن میدان، بهترین نمایش کالبدی و بصری را ارائه می‌دهند. گل (Gehl, 2011)، میدان‌های شهری را فضاهایی عمومی و جایگاه فعالیت‌های انتخابی و اجتماعی می‌داند که بستری برای زندگی اجتماعی و تعاملات روزمره فراهم می‌کنند. زوکر (Zucker, 1959) مفهوم میدان را به‌عنوان جزئی زنده و پویا از شهر مرتبط با شرایط اجتماعی اقتصادی و فنی در حال تغییر و توقفگاه روانشناختی در دورنمای شهری خوانده و می‌افزاید که میدان از جمعیت شهر، جامعه می‌سازد نه تجمعی صرف از افراد. فورتی (Forty, 2002) میدان (معادل واژه Square) را فضایی کف‌سازی شده و محصور با شکل چهارگوش تعریف می‌کند که در زبان لاتین معادل واژه‌هایی مانند Piazza یا Plaza است.

وب (Webb, 1990) میدان را نمونه‌ای کوچک از کل زندگی شهری و محل بروز رخداد‌های عمومی شهر می‌داند. کریر (Krier, 1979)، میدان شهری را به‌عنوان یک فضای باز عمومی تعریف می‌کند که توسط عناصر کالبدی محصور شده و به‌عنوان مرکز فعالیت‌های اجتماعی عمل می‌کند. ماتیو کارمونا (Carmona, 2003)، میدان‌های شهری را فضاهایی چندوجهی می‌داند که عملکردهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی را در خود جای می‌دهند.

در ایران پاکزاد (Pakzad, 2006) میادین را از اثرگذارترین فضاهای شهری بر ذهنیت شهروندان و بازشناسی مناطق مختلف شهر و ساده‌ترین راه نشانی‌دهی به هر غریبه راه، راهنمایی وی از طریق

میادین به‌عنوان نقاط شاخص شهری می‌داند. قریب (Gharib, 1997) بیان می‌کند میدان‌ها فضاهایی برای مشاهده فضای شهری، به‌یادآوردن خاطرات، دیدن و دیده شدن، اجرای مراسم جشن و سرور، خرید و فروش و برگزاری اجتماعات سیاسی هستند. سلطان‌زاده (Soltanzadeh, 1993) میدان را فضاهای باز وسیعی تعریف می‌کند که دارای محدوده‌ای محصور یا کما بیش معین هستند و در کنار راه‌ها یا در محل تقاطع آن‌ها قرار دارند و از کارکردی ارتباطی، اجتماعی، تجاری ورزشی، نظامی یا ترکیبی از دو یا چند کارکرد برخوردار هستند.

با تلفیق این تعاریف، میدان شهری در این پژوهش به‌عنوان فضای باز عمومی تعریف می‌شود که با محصوریت کالبدی، تناسبات هندسی و نقاط کانونی بصری، بستری برای حضور و ارتباط گروه‌های مختلف شهروندان، تعاملات اجتماعی، فعالیت‌های فرهنگی فراهم می‌کند و با ایجاد تصویری منسجم واحد و مثبت به هویت‌بخشی شهر کمک می‌کند.

میدان‌ها از گذشته تاکنون با تعریف عملکردهایی چندگانه، به القای ارزش‌ها و کنترل رفتار استفاده‌کنندگان پرداخته و به هویت‌بخشی و افزایش تعلق خاطر ساکنین کمک کرده‌اند به‌عنوان مثال میدان نقش‌جهان با تعریف فضاهای مذهبی و تجاری به‌خوبی توانسته است به پالایش ذهن و القای ارزش‌های دینی و اخلاقی بخصوص در کسب‌وکار و افزایش تعاملات اجتماعی بپردازد. این فضای شهری مهم در بعد اجتماعی گردهمایی‌ها، مراسم و اعیاد به واسطه وجود مساجد و تکایا و... سبب حضورپذیری مردم شده است. از طرفی فضاهای تجاری موجود در میدان که امتداد آن در بازار قرار دارد یادآور ارزش‌های تجاری و اقتصادی فضا است. (Falamaki, 1992) میدان شهدا در مشهد، به دلیل موقعیت مرکزی، ارتباط با حرم مطهر رضوی و حضور گروه‌های متنوع (ساکنان، زائران، کسبه)، نمونه‌ای برجسته از یک میدان شهری با پتانسیل بالای اجتماع‌پذیری است.

اجتماع‌پذیری میدان‌های شهری

اجتماع‌پذیری به‌عنوان ظرفیت فضا برای پذیرش افراد و گروه‌های مختلف، تأمین آسایش روانی و فیزیکی، ایجاد لذت از حضور و تداوم فعالیت اجتماعی تعریف می‌شود. یکی از ویژگی‌های اصلی فضاهای عمومی، فراهم‌سازی فرصت‌های تعاملات اجتماعی است.

عموqین در مطالعه‌ای در منطقه تاریخی اردکان یزد نشان داده‌اند که تضاد بین دیدگاه‌های مردم و مسئولان می‌تواند بر حس تعلق و مشارکت اجتماعی تأثیر بگذارد. این یافته‌ها بر نقش عناصر هویتی و فرهنگی در تقویت اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی را تأیید می‌کند (Danehpour & Ebadi Amooghin, 2025). مطالعه بر اهمیت در نظر گرفتن دیدگاه‌های کاربران در طراحی فضاهای عمومی تأکید دارد.

باتوجه‌به مبانی نظری ارائه‌شده، اجتماع‌پذیری میدان شهری را می‌توان به‌عنوان توانایی این فضاها در جذب و حفظ حضور افراد و گروه‌های متنوع از طریق عوامل کالبدی، اجتماعی و فعالیتی تعریف کرد. این فرایند که با ایجاد فرصت‌های ملاقات چهره‌به‌چهره، تأمین آسایش روانی و فیزیکی و تقویت هویت جمعی همراه است، به توقف، مشارکت فعال و تجربه حیات جمعی منجر می‌شود، به‌گونه‌ای که میدان به‌عنوان مرکزی چندمنظوره و متمایز از فضاهای اطراف، نیازهای انسانی به همراهی و ارتباط را برآورده کرده و پیوندهای روانی - روحی را از طریق روابط اجتماعی و زمینه‌های فرهنگی تقویت می‌کند.

برای شناسایی و دسته‌بندی مؤلفه‌های مؤثر بر اجتماع‌پذیری میدان‌های شهری، مطالعه تطبیقی بر روی منابع فارسی و بین‌المللی انجام شده است. این منابع، با تأکید بر ابعاد کالبدی، اجتماعی و فعالیتی، الگوهای مشترکی را نشان می‌دهند که جمع‌بندی آن‌ها در جدول ۳ ارائه شده است. تحلیل این داده‌ها به درک جامع‌تر از عوامل مؤثر بر موفقیت اجتماعی میدان‌ها کمک می‌کند.

جدول ۳: مؤلفه‌های اجتماع‌پذیری فضای شهری

این امر از طریق حضور گروه‌های متنوع اجتماعی، شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی و فعالیت در ساعات مختلف روز قابل سنجش است (Danehpour & Charkhchyan, 2007). از دید یاسن (Yaseen, 2017)، اجتماع‌پذیری توانایی فضاهای عمومی در جذب فعالیت‌های فردی و گروهی و ترجیح همراهی با دیگران به‌جای انزوا است. این مفهوم همچنین با اصطلاحات "اجتماع‌پذیر" و "اجتماع‌گریز" که توسط اسموند (1957) برای توصیف کیفیت‌های فضایی که افراد را گرد هم می‌آورند یا از هم دور می‌کنند، پیوند خورده است. فرگاس (Forgas, 2000) و لنارد (Lenard, 1998) نیز بر اهمیت تعاملات اجتماعی، دسترسی مستقیم و چندمنظوره بودن فضاها برای تقویت هویت جمعی و هماهنگی اجتماعی تأکید دارند. لنگ (Lang, 2002) تماس چهره‌به‌چهره و کاهش فاصله‌های تعاملی را از ویژگی‌های فضاهای اجتماع‌پذیر می‌داند. محمدی سالک و عسگری (Mohammadi, 2022) فرآیند اجتماع‌پذیری را در چهار مرحله (پذیرش، آسایش، لذت و تداوم حضور) و با مؤلفه‌هایی مانند دسترسی، امنیت، تسهیلات و انعطاف‌پذیری توصیف می‌کنند. میدان‌های شهری به دلیل نقششان، در حضور و مشارکت اجتماعی اهمیت دارند، که عمدتاً به عوامل کالبدی مانند دسترسی، جاذبه‌های بصریو عناصر طبیعی وابسته است و زمینه‌ساز ورود و توقف افراد می‌شود. با این حال، پیش‌بینی و خلق رویدادهای اجتماعی، که فرصت‌های مشارکت را فراهم کرده و حس تعلق را تقویت می‌کند، تأثیر بیشتری بر تعاملات اجتماعی دارد (Danehpour & Charkhchyan, 2007). دانشپور و عبادی

بُعد	مؤلفه‌ها	منابع
کالبدی	دسترسی (دسترسی بصری و فیزیکی، ارتباطات فضایی، نفوذپذیری)	(Afzali, Mozaffari Ghadikolaie & Shabak, 2023), (Zayyari & Mansouri Etmnan, 2023), (Javan Majidi & Milani & Asarzadeh, 2024), (Amirashayeri, Tahmasebi & Sahabi, 2025), (Negari, 2019), (Siavashpour, Alavi Nasab Ashkezari, Boodaghpour & Sabernezhad, 2019), (Abroun & Mousavi, 2014), (Shojaei & Partovi, 2015), (Abbaszadeh & Tamary, 2012), (Egea-Jiménez & Da- Mela, Tousi & Varelidis, 2025), (Danehpour & Charkhchyan, 2007), (Costa-Gomes, 2023), (Koushki, Mehan, 2016), (Guedoudj, Ghenouchi & Toussaint, 2020), (Danehpour & Shokouhbidhendi, 2025)
کیفیت فضایی (زیبایی‌شناسی، طراحی منسجم، مبلمان شهری)		(Amirashayeri, Tahmasebi & Alavi Nasab Ashkezari, Boodaghpour & Sabernezhad, 2019), (Sahabi, 2025), (Zayyari & Mansouri Etmnan, 2023), (Siavashpour, Abroun & Mousavi, 2014)

بُعد	مؤلفه‌ها	منابع
	فضای سبز، راحتی، مدیریت و نگهداری فضا، محصوریت، مقیاس انسانی، روشنایی)	(Afzali, Mozaffari, Mela, Tousi & Varelidis, 2025), (Javan Majidi & Negari, 2019), (Ghadikolaei & Shabak, 2023), (Mohammadzade, Ghasemi, Norozi, Nikpor, 2021), (Daneshpour, 2007), (Charkhchyan, 2007), (Mehan, 2016), (Kheyroddin, Daneshpour, Momeni, 2025).
	تداوم فضایی	(Mehan, 2016), (Koushki, Daneshpour & Shokouhbidhendi, 2025).
	خوانایی (وضوح فضایی، نشانه‌ها، رؤیت‌پذیری)	(Afzali, Mozaffari, Ghadikolaei & Abbaszadeh & Tamary, 2012), (Javan Majidi & Negari, 2019), (Shabak, 2023), (Alavi Nasab Ashkezari, Boodaghpour & Sabernezhad, 2019), (Mehan, 2016).
اجتماعی	تعاملات اجتماعی (ارتباطات خودجوش و سازمان‌یافته، فعالیت‌های گروهی)	(Zayyari & Shojaei & Partovi, 2015), (Afzali, Mozaffari, Ghadikolaei & Shabak, 2023), (Javan Majidi & Negari, 2019), (Mansouri Etminan, 2023), (Amirashayeri, Tahmasebi & Sahabi, 2025), (Siavashpour, Abroun & Alavi Nasab Ashkezari, Boodaghpour & Sabernezhad, 2019), (Mousavi, 2014), (Ravanbakhsh & Mirabadi, 2018), (Abbaszadeh & Tamary, 2012), (Daneshpour, 2007), (Charkhchyan, 2007), (Egea-Jiménez & Da-Costa-Gomes, 2023), (Guedoudj, Ghenouchi & Toussaint, 2020), (Kheyroddin, Daneshpour, Momeni, 2025), (Mehan, 2016).
	امنیت (امنیت فیزیکی و آسایش روانی، نظارت اجتماعی)	(Afzali, Mozaffari, Zayyari & Mansouri Etminan, 2023), (Javan Majidi & Negari, 2019), (Ghadikolaei & Shabak, 2023), (Milani & Asarzadeh, 2024), (Alavi Nasab Ashkezari, Boodaghpour & Sabernezhad, 2019), (Egea-Jiménez & Da-Costa-Gomes, 2023), (Mehan, 2016).
	همه‌شمولی (حضور اقشار مختلف، تنوع کاربران)	(Egea-Jiménez, Mohammadzade, Ghasemi, Norozi, Nikpor, 2021), (Milani & Asarzadeh, 2024), (Da-Costa-Gomes, 2023), (Mehan, 2016), (Guedoudj, Ghenouchi & Toussaint, 2020).
	حس تعلق (هویت مکانی، خاطره‌سازی، پیوند عاطفی)	(Javan Majidi & Charkhchyan, 2007), (Daneshpour & Charkhchyan, 2007), (Siavashpour, Abroun & Mousavi, 2014), (Negari, 2019), (Mehan, 2016), (Alavi Nasab Ashkezari, Boodaghpour & Sabernezhad, 2019), (Kheyroddin, Daneshpour, Momeni, 2025), (Koushki, Daneshpour & Shokouhbidhendi, 2025).
	حضور‌پذیری (جذابیت برای حضور مستمر، مردم‌پسند بودن)	(Javan Majidi & Mansouri Etminan, 2023), (Zayyari & Mansouri Etminan, 2023), (Mohammadzade, Ghasemi, Norozi, Nikpor, 2021), (Majidi & Negari, 2019), (Mehan, 2016), (Kheyroddin, Daneshpour, Momeni, 2025), (Safdarnejad, Daneshpour & Behzadfar, 2022).
فعالیتی	تنوع عملکردی (فعالیت‌های متنوع، کاربری‌های چندمنظوره)	(Amirashayeri, Tahmasebi, Mohammadi & Ayatollahi, 2015), (Abbaszadeh & Tamary, 2012), (Sahabi, 2025), (Javan Majidi & Negari, 2019), (Guedoudj, Ghenouchi & Toussaint, 2020), (Mehan, 2016), (Kheyroddin, Daneshpour, Momeni, 2025), (Behzadfar, 2022).
	رویداد‌پذیری (برگزاری مراسم، جشن‌ها، فعالیت‌های فرهنگی)	(Afzali, Mozaffari, Zayyari & Mansouri Etminan, 2023), (Ravanbakhsh & Mirabadi, 2018), (Ghadikolaei & Shabak, 2023), (Mohammadi & Javan Majidi & Negari, 2019), (Mehan, 2016), (Ayatollahi, 2015), (Erce, Kuşakçı & Amiri, 2025), (Kheyroddin, Daneshpour, Momeni, 2025).
	سرزندگی (شور و هیجان محیطی، فعالیت‌های پویا)	(Javan Majidi & Negari, 2019), (Abbaszadeh & Tamary, 2012), (Daneshpour & Charkhchyan, 2007), (Kheyroddin, Daneshpour, Momeni, 2019), (Ravanbakhsh & Mirabadi, 2018), (Mehan, 2016), (Safdarnejad, Daneshpour & Behzadfar, 2022), (2025).
	مشارکت‌پذیری (فعالیت‌های داوطلبانه، فضا‌های مشارکتی)	(Alavi Nasab Ashkezari, Boodaghpour & Sabernezhad, 2019), (Javan Majidi & Negari, 2019), (Mehan, 2016), (Siavashpour, Abroun & Mousavi, 2014).



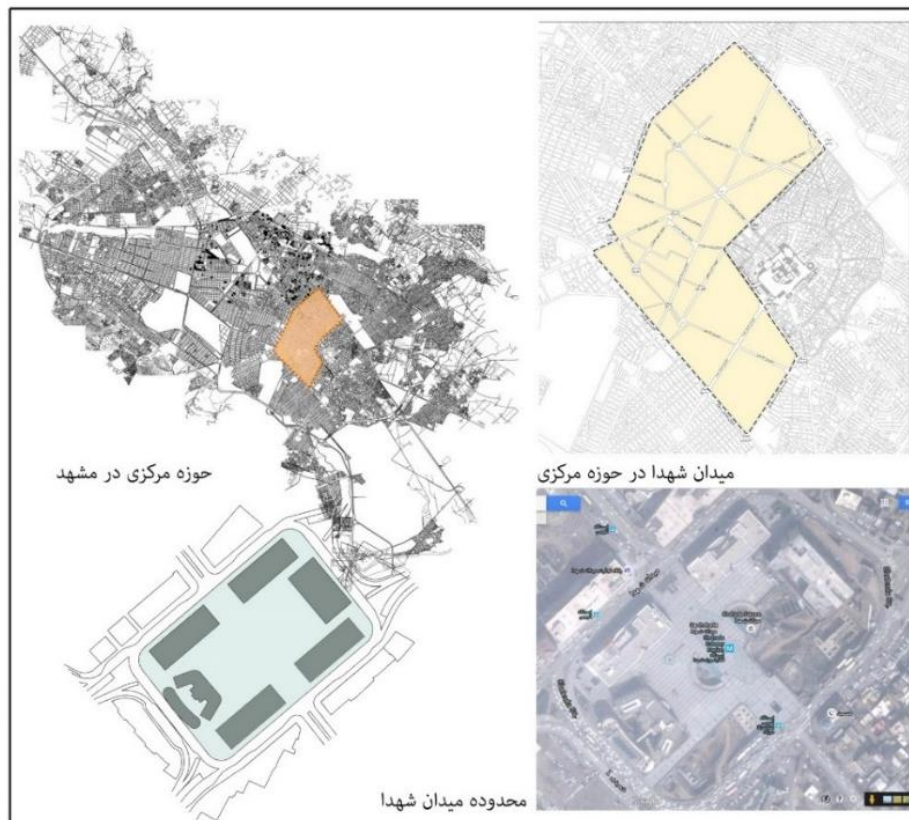
شکل ۲: مولفه های اجتماع پذیری فضای شهری

مواد و روش‌ها:

این پژوهش دارای رویکرد کیفی - کمی است و باتوجه به هدف پژوهش که پیش‌بینی تأثیر مصادیق هنر عمومی بر مؤلفه‌های اجتماع‌پذیری در ابعاد کالبدی، اجتماعی و فعالیتی است و همچنین پیچیدگی مدل ساختاری (شامل ۲۶ شاخص مشاهده‌شده و چندین سازه نهان)، بر اساس توصیه هیر و همکاران (Hair, Hult & Sarstedt, 2017) روش مدل‌سازی معادلات ساختاری مبتنی بر واریانس PLS-SEM به دلیل مناسب بودن برای مدل‌های پیچیده و داده‌های غیرنرمال انتخاب شده است. براین اساس در مقاله حاضر از روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی و از شیوه‌های مرور متون، منابع و اسناد تصویری در بستر مطالعات کتابخانه‌ای و همچنین از روش تحقیق موردی و شیوه تحقیق مشاهده در بستر مطالعات میدانی و از ابزار پرسش‌نامه بهره گرفته شده است.

نمونه مورد مطالعه

نمونه مورد مطالعه در این پژوهش میدان شهدا شهر مشهد می‌باشد. این میدان به دلیل موقعیت استراتژیک در مجاورت حرم مطهر امام رضا (ع)، حضور گروه‌های متنوع کاربران (شامل ساکنان، زائران و کسبه) و ویژگی‌های کالبدی و فرهنگی برجسته، انتخاب شده است. میدان شهدا نقطه تلاقی سه شریان مهم ارتباطی در شهر مشهد است. خیابان امام خمینی (ارگ) به خواجه ربیع (آیت ... عبادی)، محور توحید به شیرازی (بالا خیابان) و خیابان هاشمی‌نژاد به خیابان دانشگاه. هر کدام از این سه خیابان از نظر کارکرد شهری و خدماتی و هویت شهری برای میدان شهدا اهمیت زیادی دارند و از سویی دیگر ساختمان شهرداری نقش مدنی به این میدان بخشیده است. میدان شهدا به‌عنوان یک گره کالبدی - اجتماعی، بستری مناسب برای بررسی تأثیرات هنر عمومی بر اجتماع‌پذیری فراهم کرده است.



نقشه ۱: معرفی محدوده نمونه مورد مطالعه

با در نظر گرفتن تنوع داده‌ها و ماهیت میدانی، حجم نمونه اولیه ۱۵۰ نفر هدف‌گذاری شده است. برای جمع‌آوری داده‌ها، روش نمونه‌گیری ترکیبی به‌کارگرفته شده است. تعداد ۱۰۰ پرسشنامه به صورت حضوری با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده از میان کاربران میدان شهدا (شامل شهروندان، کسبه و زائران) تکمیل شده است. همچنین، ۱۴۰ پرسشنامه از طریق گوگل فرم با دعوت هدفمند از کاربران میدان توزیع و جمع‌آوری گردیده است. در مجموع، ۲۴۰ پرسشنامه گردآوری و برای تحلیل از نرم‌افزار SmartPLS نسخه ۴ استفاده شده است. این تعداد در محدوده توصیه‌شده (۱۳۰ تا ۲۶۰ نفر) قرار دارد و برای تحلیل PLS-SEM مناسب است. معیارهای ورود به مطالعه شامل تجربه حضور مکرر در میدان و آگاهی از ویژگی‌های کالبدی و اجتماعی آن بوده است. برای اطمینان از تنوع نمونه، تلاش شد تا گروه‌های مختلف سنی، جنسیتی و کاربری (ساکنان، زائران، کسبه) در نمونه‌گیری لحاظ شوند.

جامعه آماری و نمونه‌گیری

جامعه آماری پژوهش شامل تمامی کاربران میدان شهدا (شهروندان، زائران و کسبه) می‌باشد. برای تعیین حجم نمونه، از قواعد پیشنهادی مدل‌سازی معادلات ساختاری مبتنی بر PLS-SEM استفاده شده است (Hair, Hult & Sarstedt, 2017). با توجه به هدف مطالعه که پیش‌بینی تأثیر مصادیق هنر عمومی بر مولفه‌های اجتماع‌پذیری در ابعاد کالبدی، اجتماعی و فعالیت‌ست و پیچیدگی مدل (شامل ۲۶ شاخص مشاهده‌شده)، قاعده ۵ تا ۱۰ برابر تعداد شاخص‌ها اعمال شده که حداقل حجم نمونه را بین ۱۳۰ تا ۲۶۰ نفر تعیین کرده است (Hair, Hult & Sarstedt, 2017). همچنین، با فرض حداکثر ۷ مسیر ورودی به سازه‌های نهان، قاعده ۱۰ برابر تعداد مسیرها، حداقل ۷۰ نفر پیشنهاد می‌شود. برای دستیابی به قدرت آماری ۰.۸۰ و سطح معناداری ۰.۰۵ (ibid) حداقل ۶۰ تا ۸۰ نفر با توجه به R^2 پیش‌بینی شده ۰.۲۵ توصیه می‌شود.



ابزار جمع آوری داده‌ها

برای جمع‌آوری داده‌ها، پرسش‌نامه‌ای ساختارمند طراحی شده است که تأثیر مصادیق هنر عمومی (شامل هنر تجسمی، زنده، تعاملی، محیطی، دیجیتال و معماری) بر مؤلفه‌های اجتماع‌پذیری میدان شهدا را مورد ارزیابی قرار دهد. سؤالات پرسش‌نامه شامل دو بخش اطلاعات دموگرافیک (سن، جنسیت، نوع کاربری و میزان حضور در میدان) و سؤالات اصلی در مقیاس لیکرت پنج‌درجه‌ای برای ارزیابی تأثیر مصادیق هنر عمومی بر مؤلفه‌های اجتماع‌پذیری در ابعاد کالبدی (دسترسی، کیفیت فضایی، خوانایی، تداوم فضایی)، اجتماعی (تعاملات اجتماعی، امنیت، حس تعلق، حضورپذیری) و فعالیت‌های (تنوع عملکردی، رویدادپذیری، سرزندگی) است. پایایی پرسش‌نامه با محاسبه آلفای کرونباخ (مقادیر بین ۰.۹۱۰ تا ۰.۹۳۵) و روایی آن از طریق روایی محتوا (تأیید توسط سه متخصص طراحی شهری و برنامه‌ریزی شهری) و روایی همگرا ($AVE < 0.5$) تأیید شده است.

روش تحلیل داده‌ها

تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SmartPLS نسخه ۴ انجام شده و روش‌های تحلیلی به‌کاررفته شامل مراحل زیر است:

- تدوین مدل مفهومی: مدل مفهومی پژوهش بر اساس سؤالات پژوهش طراحی شده است که شامل تأثیر هنر عمومی بر

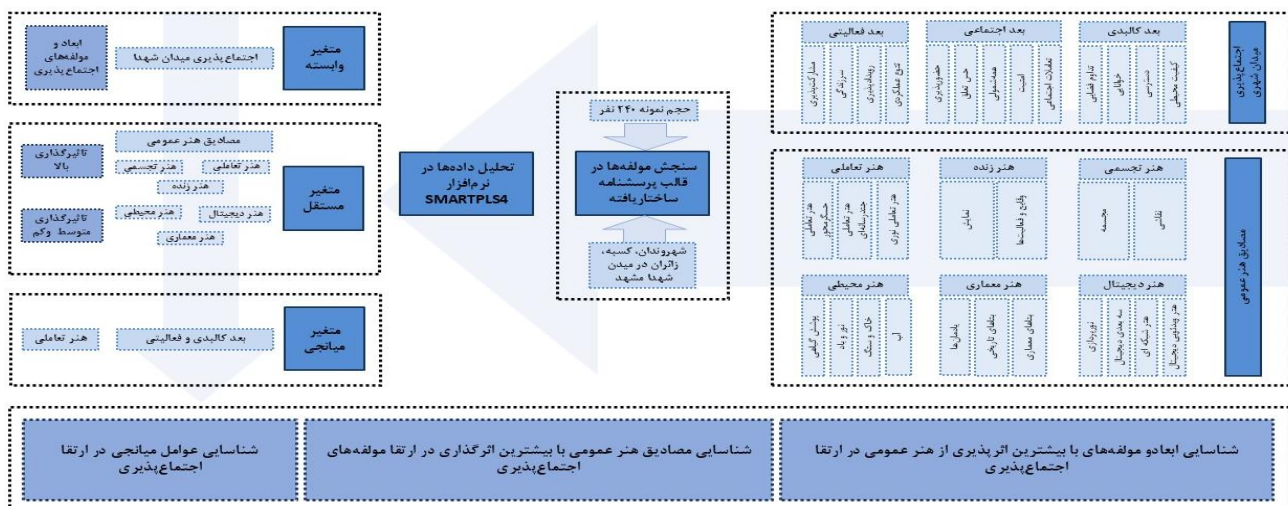
مؤلفه‌های اجتماع‌پذیری در ابعاد کالبدی، اجتماعی و فعالیت‌ها، شناسایی مصادیق مختلف هنر عمومی با بیشترین تأثیرگذاری بر اجتماع‌پذیری میدان، نقش میانجی ابعاد کالبدی و فعالیت‌ها بعد اجتماعی و در نهایت اجتماع‌پذیری میدان و تأثیر هنر عمومی بر زیرمؤلفه‌های ابعاد کالبدی، فعالیت‌ها و اجتماعی می‌باشد.

- الگوریتم PLS: برای برآورد ضرایب مسیر و روابط بین متغیرهای نهان (latent variables) استفاده شده است. این الگوریتم برای تحلیل داده‌های غیرنرمال و مدل‌های پیچیده مناسب است (Hair, Hult & Sarstedt, 2017).

- بوت‌استرپینگ: با استفاده از ۵۰۰۰ نمونه، معناداری ضرایب مسیر ($p > 0.05$) و بازه‌های اطمینان ۹۵٪ بررسی شده است.

- PLSpredict: برای ارزیابی قدرت پیش‌بینی مدل، معیار $Q^2predict$ محاسبه شده و مقادیر RMSE و MAE با مدل خطی ساده مقایسه شده‌اند.

- ارزیابی کیفیت مدل: معیارهای پایایی (Cronbach's Alpha و Composite Reliability)، روایی همگرا (Average Variance Extracted یا AVE) و شاخص‌های برازش مدل (SRMR، d_{ULS} ، d_G) برای اطمینان از کیفیت مدل بررسی شده است.

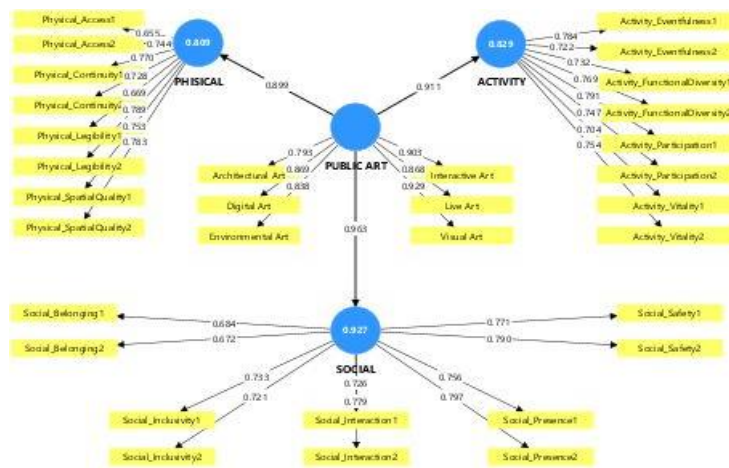


شکل ۳: فرایند پژوهش

بحث و یافته‌ها

همان‌طور که گفته شد در این پژوهش نقش مصادیق هنر عمومی در ارتقای اجتماع‌پذیری بر اساس نظرات کاربران میدان شهدا در شهر مشهد را با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری (PLS-SEM) در نرم‌افزار SmartPLS نسخه ۴ بررسی شده است. اجتماع‌پذیری به‌عنوان یک سازه کلی شامل سه بعد کالبدی، اجتماعی و فعالیتی تعریف شده که هر بعد زیرمؤلفه‌های خاص خود را دارند (مانند دسترسی، تعاملات اجتماعی و رویدادپذیری

و ...). داده‌ها از ۲۴۰ کاربر میدان با روش نمونه‌گیری ترکیبی (گلوله برفی و مصاحبه حضوری) جمع‌آوری و با الگوریتم PLS، بوت‌استرپینگ (۵۰۰۰ نمونه) و PLSpredict تحلیل شده‌اند. در ادامه، نتایج تحلیل سوالات پژوهش ارائه شده است. تحلیل تأثیر هنر عمومی بر مؤلفه‌های اجتماع‌پذیری: تأثیر هنر عمومی را بر سه بعد اجتماع‌پذیری (کالبدی، اجتماعی و فعالیتی) بررسی شده است. نتایج تحلیل نشان‌دهنده تأثیر قوی و معنادار هنر عمومی بر هر سه بعد است.



شکل ۴: مدل ساختاری تأثیر هنر عمومی بر ابعاد اجتماع‌پذیری در نرم‌افزار SmartPLS4

جدول ۴: ضرایب مسیر و معیارهای کیفیت تأثیر هنر عمومی بر ابعاد اجتماع‌پذیری

AVE	Composite Reliability	Cronbach's Alpha	f²	R²	p-value	T-Statistics	ضریب مسیر β	مسیر
0.625	0.930	0.910	0.809	0.809	0.000	63.9277	0.8994	هنر عمومی - کالبدی
0.635	0.940	0.920	0.927	0.927	0.000	68.4269	0.9628	هنر عمومی - اجتماعی
0.620	0.925	0.915	0.829	0.829	0.000	64.7234	0.9107	هنر عمومی - فعالیتی

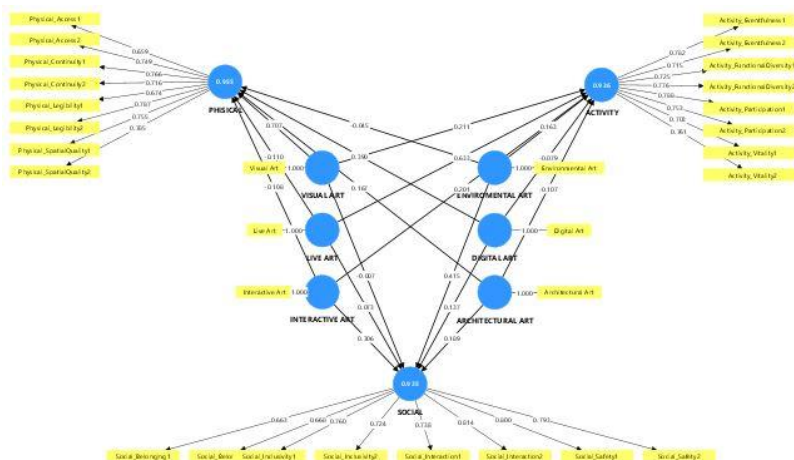
حضورپذیری را نشان می‌دهد. شاخص‌های کیفیت مدل ($Cronbach's\ Alpha > 0.7$, $Composite\ Reliability > 0.7$, $AVE > 0.5$) روایی و پایایی سازه‌ها را تأیید می‌کند و مقدار $SRMR = 0.000$ برازش عالی مدل را نشان می‌دهد. تحلیل تأثیر مصادیق هنر عمومی بر مؤلفه‌های اجتماع‌پذیری:

تمامی مسیرها معنادار ($p < 0.0001$) هستند و ضرایب مسیر بالا نشان‌دهنده تأثیر قوی هنر عمومی بر ابعاد کالبدی، اجتماعی و فعالیتی اجتماع‌پذیری است. بالاترین تأثیر روی بعد اجتماعی ($R^2 = 0.927$, $\beta = 0.9628$) می‌باشد که نقش کلیدی هنر عمومی در تقویت تعاملات اجتماعی، امنیت، همه‌شمولی، حس تعلق و



بیشترین تأثیر، ضرایب مسیر (β) و اندازه اثر (f^2) برای هر بعد به طور جداگانه تحلیل شده است. نتایج تحلیل‌ها نشان‌دهنده تأثیرات متفاوت این مصادیق است. مقادیر R^2 بالا (۰.۹۳۵-۰.۹۵۵) توضیح‌دهندگی قوی مدل را تأیید می‌کند.

در سؤال دوم پژوهش، شناسایی مصادیق هنر عمومی (هنر تجسمی، هنر زنده، هنر تعاملی، هنر محیطی، هنر دیجیتال و هنر معماری) با بیشترین تأثیرگذاری بر اجتماع‌پذیری میدان شهدا موردبررسی قرار گرفته است. برای تعیین نوع هنر عمومی با



شکل ۵: مدل ساختاری شناسایی مصادیق هنر عمومی با بیشترین تأثیر بر ابعاد اجتماع‌پذیری میدان شهدا در نرم‌افزار SmartPLS4

جدول ۵: ضرایب مسیر و معیارهای آماری برای شناسایی مصادیق هنر عمومی با بیشترین تأثیر بر ابعاد اجتماع‌پذیری میدان شهدا

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب مسیر (β)	T-Statistics	p-value	R^2	f^2
هنر معماری	کالبدی	0.167	-	-	0.955	0.085
هنر معماری	اجتماعی	-0.107	2.1689	0.030	0.935	0.085
هنر معماری	فعالیتی	-0.108	-	-	0.936	0.085
هنر دیجیتال	کالبدی	0.390	-	-	0.955	0.029
هنر دیجیتال	اجتماعی	-0.079	2.0354	0.042	0.935	0.029
هنر دیجیتال	فعالیتی	0.137	-	-	0.936	0.029
هنر محیطی	کالبدی	-0.045	-	-	0.955	0.168
هنر محیطی	اجتماعی	0.5605	4.9747	0.000	0.935	0.168
هنر محیطی	فعالیتی	0.415	-	-	0.936	0.168
هنر تعاملی	کالبدی	-0.108	-	-	0.955	0.161
هنر تعاملی	اجتماعی	0.306	2.4560	0.014	0.935	0.161
هنر تعاملی	فعالیتی	0.8622	49.3183	0.000	0.936	0.161
هنر زنده	کالبدی	0.633	-	-	0.955	2.054
هنر زنده	اجتماعی	0.5798	4.1156	0.000	0.935	2.054
هنر زنده	فعالیتی	0.5605	3.1130	0.002	0.936	2.054
هنر تجسمی	کالبدی	0.7011	5.9656	0.000	0.955	0.130
هنر تجسمی	اجتماعی	1.0000	6.9798	0.000	0.935	0.130
هنر تجسمی	فعالیتی	0.7011	5.4773	0.000	0.936	0.130

تقویت تنوع عملکردی و رویدادپذیری و هنر زنده با $\beta=0.5605$ در ارتقا تنوع عملکردی، سرزندگی و مشارکت پذیری نیز تأثیرات قوی دارند.

تأثیر هنر معماری، هنر دیجیتال و هنر محیطی در ابعاد اجتماع پذیری برجسته نیست (ضریب مسیر کمتر از ۰.۵۶) ولی هنر محیطی در بعد اجتماعی ($\beta=0.5605$) و هنر دیجیتال در بعد کالبدی ($\beta=0.390$) نسبتاً بهتر عمل کرده‌اند.

این تحلیل نشان می‌دهد که هر نوع هنر عمومی می‌تواند ابعاد خاصی از اجتماع پذیری را برجسته سازد و انتخاب آن‌ها به اهداف مدنظر برای تقویت ابعاد کالبدی، اجتماعی، یا فعالیتی در فضاهای شهری بستگی دارد.

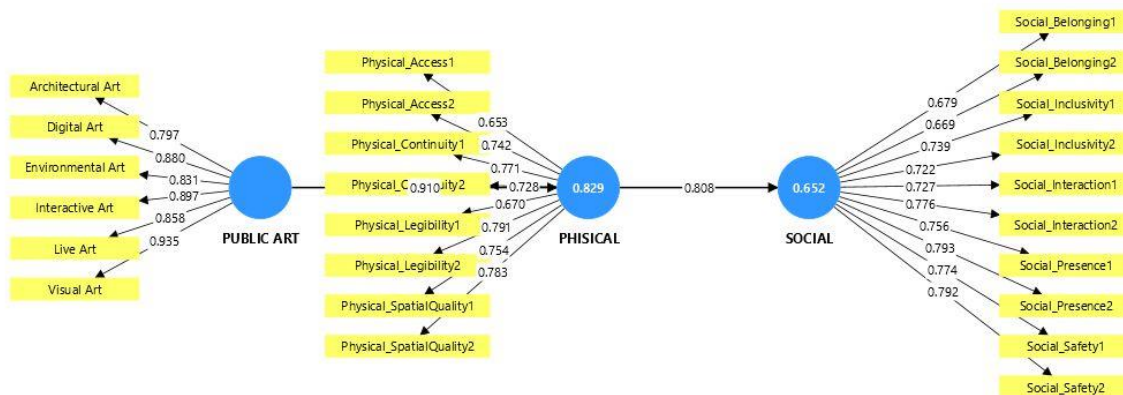
تحلیل نقش میانجی بعد کالبدی:

نقش میانجی بعد کالبدی در تأثیر هنر عمومی بر بعد اجتماعی بررسی شده است. نتایج تحلیل نقش میانجی قوی را تأیید می‌کند.

طبق یافته‌ها در بعد کالبدی، هنر تجسمی با ضریب مسیر ۰.۷۰۱۱ بیشترین تأثیر را دارد، که بیانگر نقش برجسته عناصر بصری در بهبود کیفیت محیطی، تداوم فضایی و خوانایی میدان است. پس از آن، هنر زنده با $\beta=0.633$ بیشترین تأثیر را دارد. اندازه اثر (f^2) نیز برای هنر زنده (۲.۰۵۴) بالاترین است.

در بعد اجتماعی هنر تجسمی با ضریب مسیر ۱.۰۰۰۰ بیشترین تأثیر را دارد که نشان‌دهنده ظرفیت بالای آن در تقویت تعاملات اجتماعی و همه‌شمولی است. هنر زنده با $\beta=0.5798$ و $f^2=2.054$ نیز تأثیر قابل توجهی در تقویت حس تعلق میدان شهدا نشان داده است.

در بعد فعالیتی هنر تعاملی با ضریب مسیر ۰.۸۶۲۲ بیشترین تأثیر را نشان داده است، که بر اهمیت تعاملات پویا در افزایش مشارکت‌پذیری تأکید دارد. هنر تجسمی با $\beta=0.7011$ در



شکل ۶: مدل ساختاری نقش میانجی بعد کالبدی در تأثیر هنر عمومی بر بعد اجتماعی در نرم‌افزار SmartPLS4

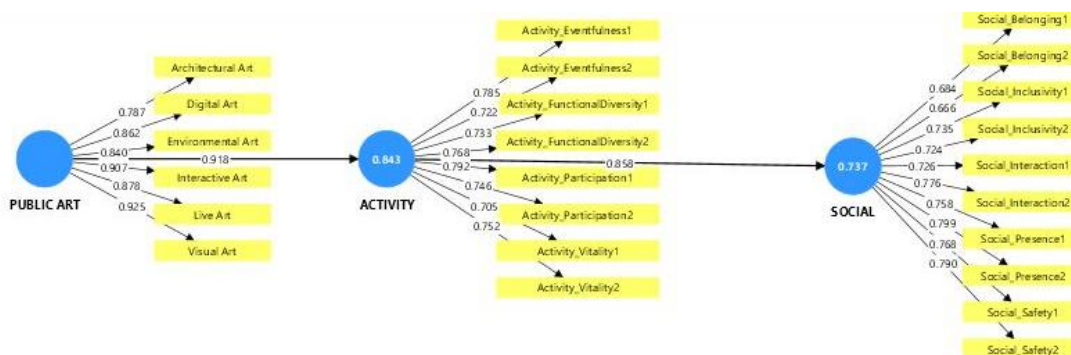
جدول ۶: ضرایب مسیر و اثر غیرمستقیم بعد کالبدی در تأثیر هنر عمومی بر بعد اجتماعی

مسیر	ضریب مسیر (β)	T-Statistics	p-value	بازه اطمینان ۹۵% (Bias Corrected)
کالبدی → هنر عمومی	0.9105	86.5835	0.000	[0.8866, 0.9285]
اجتماعی → کالبدی	0.8076	30.2417	0.000	[0.7437, 0.8504]
اجتماعی → کالبدی → هنر عمومی	0.7353	22.8423	0.000	[0.6590, 0.7881]

تحلیل نقش میانجی بعد فعالیتی:

نقش میانجی بعد فعالیتی در تأثیر هنر عمومی بر بعد اجتماعی بررسی شده است. نتایج تحلیل نقش میانجی قوی را تأیید می‌کنند.

اثر غیرمستقیم قوی ($\beta = 0.7353$) نشان‌دهنده نقش کلیدی بعد کالبدی در انتقال اثر هنر عمومی به بعد اجتماعی است. بارهای عاملی برای فعالیتی (0.620-0.645) و اجتماعی (0.6685-0.7926) روایی همگرای قابل‌قبولی را نشان می‌دهد.



شکل ۷: مدل ساختاری نقش میانجی بعد فعالیتی در تأثیر هنر عمومی بر بعد اجتماعی در نرم‌افزار SmartPLS4

جدول ۷: ضرایب مسیر و اثر غیرمستقیم بعد فعالیتی در تأثیر هنر عمومی بر بعد اجتماعی

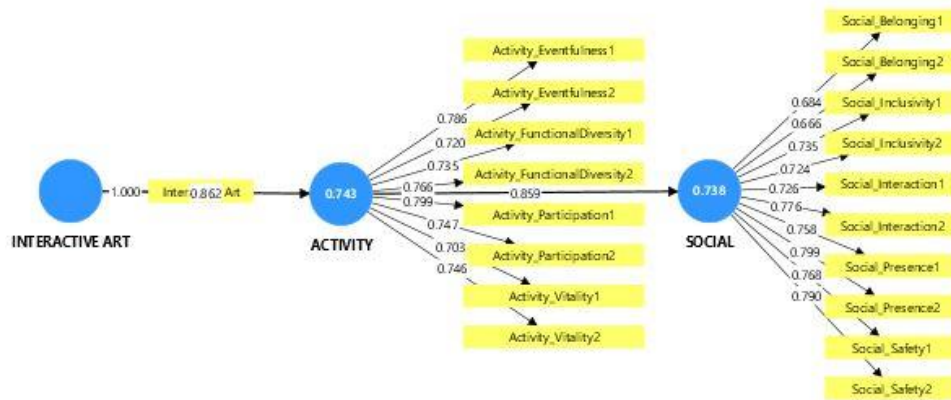
بازه اطمینان ۹۵% (Bias Corrected)	p-value	T-Statistics	ضریب مسیر (β)	مسیر
[0.891, 0.937]	0.000	78.375	0.918	فعالیتی → هنر عمومی
[0.802, 0.894]	0.000	38.586	0.858	اجتماعی → فعالیتی
[0.716, 0.836]	0.000	26.547	0.788	اجتماعی → فعالیتی → هنر عمومی

در مقایسه با نقش میانجی بعد کالبدی با (β غیرمستقیم ۰.۷۳۵۳)، بعد فعالیتی کمی قوی‌تر (۰.۷۴۰۸) است، که نشان‌دهنده اولویت فعالیت‌های پویا در بافت مذهبی میدان شهدا است.

تحلیل نقش میانجی بعد فعالیتی در تأثیر هنر تعاملی:

نقش میانجی بعد فعالیتی در تأثیر هنر تعاملی بر بعد اجتماعی اجتماع‌پذیری بررسی شده است. نتایج تحلیل‌ها نقش میانجی قوی را تأیید می‌کند.

اثر غیرمستقیم قوی ($\beta = 0.788$) نشان‌دهنده نقش کلیدی بعد فعالیتی در انتقال اثر هنر عمومی به بعد اجتماعی است. بارهای عاملی برای فعالیتی (0.705-0.792) و اجتماعی (0.666-0.799) روایی همگرای قابل‌قبولی را نشان می‌دهد. بعد فعالیتی نقش میانجی معناداری ایفا می‌کند، به این معنا که هنر عمومی ابتدا کیفیت فعالیتی فضا (مثل رویدادپذیری و تنوع عملکردی) را بهبود می‌بخشد و سپس از طریق آن، بعد اجتماعی (تعاملات و حس تعلق) را تقویت می‌کند. این نقش در بافت فرهنگی-مذهبی میدان شهدا برجسته است.



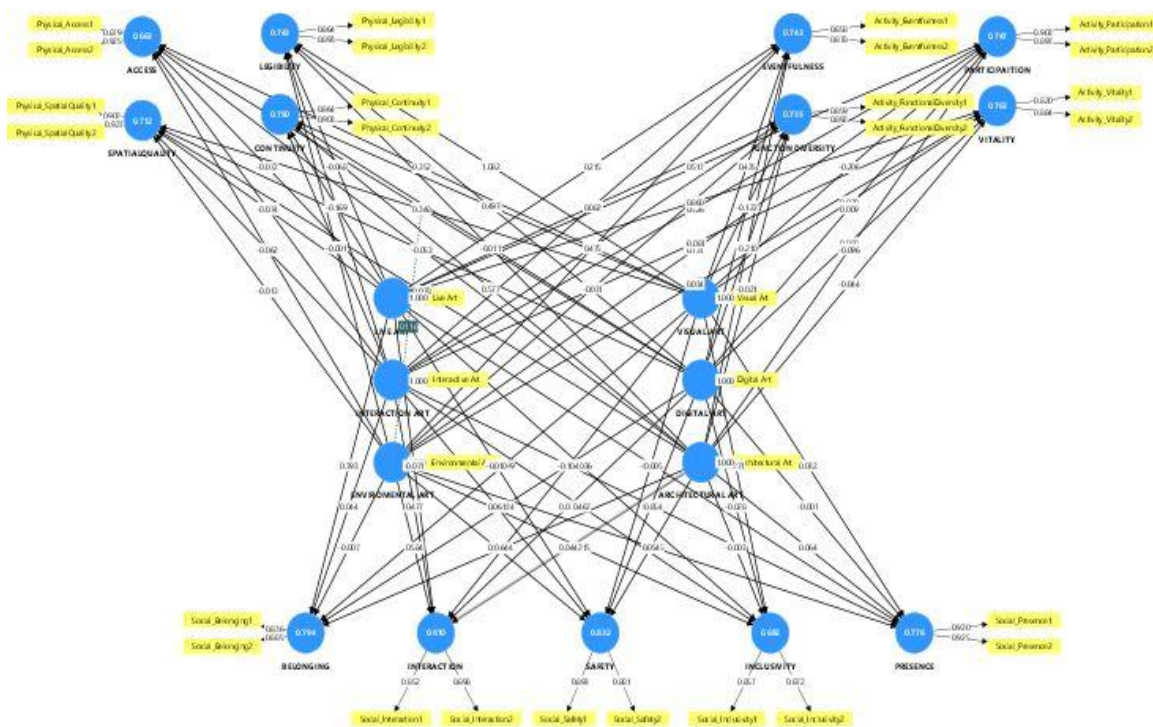
شکل ۸: مدل ساختاری نقش میانجی بعد فعالیتی را در تأثیر هنر تعاملی بر بعد اجتماعی در نرم‌افزار SmartPLS4

جدول ۸: ضرایب مسیر و اثر غیرمستقیم نقش میانجی بعد فعالیتی را در تأثیر هنر تعاملی بر بعد اجتماعی

مسیر	ضریب مسیر (β)	T-Statistics	p-value	بازه اطمینان ۹۵% (Bias Corrected)
فعالیتی → هنر تعاملی	0.8622	49.3183	0.000	[0.8202, 0.8908]
اجتماعی → فعالیتی	0.8592	38.8335	0.000	[0.8027, 0.8945]
اجتماعی → فعالیتی → هنر تعاملی	0.7408	23.4855	0.000	[0.6665, 0.7941]

رویدادپذیری، تنوع عملکردی، همه‌شمولی، تعاملات اجتماعی، خوانایی، مشارکت‌پذیری، حضورپذیری، امنیت، کیفیت فضایی و سرزندگی) است. تحلیل بر اساس ضرایب مسیر (β)، مقادیر T، p-values و اندازه اثر (f^2) انجام شده و مسیرهای معنادار ($p < 0.05$) گزارش شده است. جدول ۵ زیر مسیرهای معنادار ($p < 0.05$) را نشان می‌دهد. برای هر نوع هنر عمومی، مولفه‌ای با بالاترین ضریب مسیر مثبت و f^2 به‌عنوان "بیشترین تأثیر" مشخص شده است.

اثر غیرمستقیم قوی ($\beta = 0.7408$) نشان‌دهنده نقش کلیدی بعد فعالیتی در انتقال اثر هنر تعاملی به بعد اجتماعی است. بارهای عاملی برای بعد فعالیتی (0.7028–0.7994) و اجتماعی (0.6662–0.7926) روایی همگرای قابل‌قبولی را نشان می‌دهد. **تأثیر مصادیق هنر عمومی بر زیرمؤلفه‌های اجتماع‌پذیری:** بررسی تأثیر انواع هنر عمومی (شامل هنر معماری، دیجیتال، محیطی، تعاملی، زنده و تجسمی) بر مؤلفه‌های اجتماع‌پذیری میدان شهدا (شامل دسترسی، حس تعلق، تداوم فضایی،



شکل ۹: مدل ساختاری تأثیر مصادیق هنر عمومی بر زیرمؤلفه‌های اجتماع‌پذیری

جدول ۹: تأثیر مصادیق هنر عمومی بر زیرمؤلفه‌های اجتماع‌پذیری

نوع هنر عمومی	مؤلفه اجتماع‌پذیری	ضریب مسیر (β)	T-value	p-value	f ² (اندازه اثر)	سطح اثر (Cohen)	بیشترین تأثیر؟ (توضیح)
هنر معماری	حس تعلق	0.644	14.561	0.000	0.300	متوسط - بزرگ	بالاترین β مثبت بر حس تعلق کالبدی - اجتماعی
	تداوم فضایی	0.577	11.248	0.000	0.205	متوسط	-
	رویدادپذیری	0.210	4.022	0.000	0.040	کوچک	-
هنر دیجیتال	دسترسی	0.742	11.057	0.000	0.126	متوسط	بالاترین β بر دسترسی کالبدی
	تنوع عملکردی	0.242	3.547	0.000	0.035	کوچک	-
	امنیت	0.431	7.156	0.000	0.205	متوسط	-
	کیفیت محیطی	0.662	8.810	0.000	0.129	متوسط	-
	رویدادپذیری	0.475	8.197	0.000	0.195	متوسط	-
هنر محیطی	همه‌شمولی	0.215	3.449	0.001	0.036	کوچک	-

نوع هنر عمومی	مؤلفه اجتماع‌پذیری	ضریب مسیر (β)	T-value	p-value	f ² (اندازه اثر)	سطح اثر (Cohen)	بیشترین تأثیر؟ (توضیح)
هنر تعاملی	تعاملات اجتماعی	0.584	14.508	0.000	0.626	بزرگ	بالاترین β و f ² بر تعاملات اجتماعی
	مشارکت	0.131	2.345	0.019	0.019	کوچک	-
	امنیت	0.556	11.702	0.000	0.518	بزرگ	-
	همه‌شمولی	0.467	5.958	0.000	0.109	متوسط	-
	تعاملات اجتماعی	0.477	8.144	0.000	0.301	متوسط - بزرگ	-
	خوانایی	-	2.698	0.007	0.030	کوچک	-
	مشارکت	0.526	8.038	0.000	0.256	متوسط	-
	حضورپذیری	0.854	14.296	0.000	1.373	خیلی بزرگ	بالاترین β و f ² بر حضورپذیری اجتماعی
	حس تعلق	0.393	6.895	0.000	0.130	متوسط	-
	رویدادپذیری	0.215	3.367	0.001	0.032	کوچک	-
هنر زنده	تنوع عملکردی	0.565	8.087	0.000	0.185	متوسط	بالاترین β بر تنوع عملکردی فعالیتی
	مشارکت	0.517	8.579	0.000	0.309	متوسط - بزرگ	-
	کیفیت محیطی	-	2.264	0.024	0.017	کوچک	-
	سرزندگی	0.860	-	-	2.054	خیلی بزرگ	بالاترین f ² کلی
	دسترسی	0.341	3.207	0.001	0.054	کوچک	-
	تداوم فضایی	0.497	6.294	0.000	0.132	متوسط	-
	رویدادپذیری	0.435	5.241	0.000	0.160	متوسط	-
	تنوع عملکردی	0.477	5.639	0.000	0.139	متوسط	-
	همه‌شمولی	0.271	2.726	0.006	0.043	کوچک	-
	هنر تجسمی	خوانایی	1.082	13.540	0.000	1.039	خیلی بزرگ
مشارکت		-	2.416	0.016	0.031	کوچک	-
کیفیت محیطی		0.348	3.999	0.000	0.062	کوچک	-

هنر محیطی: تأثیر قوی بر تعاملات اجتماعی با $\beta=0.584$ و $f^2=0.626$ (بزرگ) و امنیت با $\beta=0.556$ و $f^2=0.518$ (بزرگ).
 هنر زنده: بیشترین تأثیر بر سرزندگی با $f^2=2.054$ (خیلی بزرگ) و تنوع عملکردی با $\beta=0.565$ و $f^2=0.185$ (متوسط).

انواع هنر عمومی تأثیرات متفاوتی بر مؤلفه‌های اجتماع‌پذیری میدان شهدا دارند:
 هنر تعاملی: بیشترین تأثیر بر حضورپذیری با $\beta=0.854$ و $f^2=1.373$ (خیلی بزرگ)، نشان‌دهنده تقویت حضور اجتماعی افراد در فضا.



معنادار و ارزشمندی را به دست آورد. تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده از ۲۴۰ کاربر نشان داد که هنر عمومی تأثیر قوی و معناداری ($p < 0.0001$) بر سه بعد کالبدی ($\beta = 0.8994$)، اجتماعی ($\beta = 0.9628$) و فعالیتی ($\beta = 0.9107$) اجتماع‌پذیری دارد، با بیشترین تأثیر بر بعد اجتماعی که تعاملات، حس تعلق و حضورپذیری را تقویت می‌کند. ($R^2 = 0.927$) شاخص‌های کیفیت مدل (Cronbach's Alpha > 0.7)، Composite، Reliability > 0.7 ، AVE > 0.5 ، SRMR = 0.000 روایی و برازش عالی را تأیید می‌کنند.

در میان مصادیق هنر عمومی، هنر تجسمی با ضرایب مسیر بالا ($\beta = 0.7011$) برای کالبدی، $\beta = 1.0000$ برای اجتماعی، $\beta = 0.7011$ برای فعالیتی و هنر زنده ($f^2 = 2.054$) به ترتیب در بهبود خوانایی، سرزندگی و تنوع عملکردی برجسته عمل کردند. هنر تعاملی نیز با تأثیر قوی بر حضورپذیری ($\beta = 0.854$)، ($f^2 = 1.373$) و مشارکت‌پذیری، نقش کلیدی در پویایی فضا ایفا کرد. هنر محیطی با تأثیر بر تعاملات اجتماعی ($\beta = 0.584$)، ($f^2 = 0.626$) و هنر دیجیتال با بهبود دسترسی ($\beta = 0.742$) نیز اهمیت خود را نشان دادند، هرچند هنر معماری تأثیر محدودی داشت. هم‌خطی مشاهده شده در هنر تجسمی ($VIF = 5-7$) ممکن است ضریب مسیر خوانایی ($\beta = 1.082$) را بزرگ‌نمایی کرده باشد، اما معناداری آماری آن ($p < 0.000$) تأییدکننده تأثیر قوی است. تحلیل‌های میانجی‌گری نشان داد که بعد کالبدی (β) غیرمستقیم ($\beta = 0.7353$) و فعالیتی (β غیرمستقیم = 0.788) به ترتیب با تأثیرات قوی، نقش میانجی معناداری در انتقال اثر هنر عمومی به بعد اجتماعی دارند، با اولویت بیشتر برای بعد فعالیتی در بافت فرهنگی-مذهبی میدان شهدا. به‌ویژه، نقش میانجی فعالیتی در تأثیر هنر تعاملی (β غیرمستقیم = 0.7408) بر بعد اجتماعی، اهمیت تعاملات پویا را برجسته کرد. تعدیل‌کننده هنر محیطی و دیجیتال نیز تأثیر مثبتی بر دسترسی ($\beta = 0.116$) داشت.

در نهایت، یافته‌ها نشان می‌دهند که انتخاب مصداق مناسب هنر عمومی باید با اهداف خاص (کالبدی، اجتماعی، یا فعالیتی) هم‌راستا باشد. پیشنهاد می‌شود برنامه‌ریزی‌های آتی در میدان شهدا بر ادغام هنر تعاملی و تجسمی برای تقویت حضورپذیری و

هنر تجسمی: تأثیر برجسته بر خوانایی با $\beta = 1.082$ و $f^2 = 1.039$ (خیلی بزرگ)، $T\text{-value} = 13.540$ و $p = 0.000$

هنر دیجیتال: تأثیر قوی بر دسترسی با $\beta = 0.742$ و $f^2 = 0.126$ (متوسط).

هنر معماری: تأثیر قوی بر حس تعلق با $\beta = 0.644$ و $f^2 = 0.300$ (متوسط-بزرگ).

ضریب مسیر خوانایی \rightarrow هنر تجسمی $\beta = 1.082$ ، $f^2 = 1.039$ غیرعادی است، زیرا معمولاً ضرایب مسیر استاندارد شده در مدل‌های SEM بین -1 و $+1$ قرار می‌گیرند. بررسی آمار هم‌خطی نشان می‌دهد که VIF برای هنر تجسمی حدود 6.2 تا 7.1 است (بالتر از آستانه 5)، که حاکی از هم‌خطی متوسط تا بالا است. ماتریس همبستگی متغیرهای نهان نیز همبستگی‌های قوی هنر تجسمی با دیگر انواع هنر عمومی را تأیید می‌کند: با هنر دیجیتال (0.833)، هنر تعاملی (0.813)، هنر محیطی (0.738) و هنر زنده (0.738). دلیل اصلی این هم‌خطی، هم‌پوشانی مفهومی و اندازه‌گیری انواع هنر عمومی است؛ برای مثال، در پرسشنامه، سوالات مرتبط با هنر تجسمی (مانند مجسمه‌ها و طراحی ورودی‌ها برای خوانایی) با عناصر دیگر هنرها (مانند نورپردازی در هنر دیجیتال) هم‌خوانی دارند، که باعث پاسخ‌های همبسته کاربران می‌شود. این مسئله می‌تواند ضرایب مسیر را بزرگ‌نمایی کند، اما با توجه به معناداری آماری ($p < 0.0001$)، اندازه اثر بالا ($f^2 = 1.039$) و تحمل PLS-SEM نسبت به هم‌خطی، تأثیر قوی هنر تجسمی بر خوانایی همچنان معتبر است. برای کاهش هم‌خطی در مطالعات آتی، پیشنهاد می‌شود متغیرهای هنری مرتبط ترکیب شوند یا از روش‌های اصلاحی مانند تحلیل مولفه‌های اصلی (PCA) استفاده شود. این یافته، محدودیت مدل را برجسته می‌کند اما بر نقش کلیدی هنر تجسمی در بهبود خوانایی کالبدی میدان شهدا تأکید دارد.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با بررسی نقش مصادیق هنر عمومی در ارتقای اجتماع‌پذیری میدان شهدا در مشهد، از طریق مدل‌سازی معادلات ساختاری (PLS-SEM) در نرم‌افزار SmartPLS نسخه ۴، نتایج

در مدل و تحلیل دقیق‌تر شاخص‌های ضعیف‌تر (مانند دسترسی و حس تعلق) برای تقویت روایی و اعتبار نتایج ضروری است. یافته‌ها به برنامه‌ریزان شهری پیشنهاد می‌دهد که با اولویت‌بندی هنرهای تجسمی، زنده و تعاملی در طراحی میدان شهدا، حضورپذیری، تعاملات اجتماعی و سرزندگی را تقویت کنند. تأکید بر هنر محیطی برای بهبود امنیت و آسایش و تعاملات اجتماعی نیز توصیه می‌شود. برای کاهش هم‌خطی در طراحی‌های آینده، می‌توان از ابزارهای تحلیلی مانند PCA برای شناسایی و ترکیب عناصر هنری مرتبط استفاده کرد. این نتایج می‌توانند به بازآفرینی میدان شهدا و فضاهای مشابه با بافت فرهنگی - مذهبی کمک کنند و کیفیت فضایی و تعلق اجتماعی را ارتقا دهند.

اعلام عدم تعارض منافع: نویسندگان اعلام می‌دارند که در انجام این پژوهش هیچ‌گونه تعارض منافی برای ایشان وجود نداشته است.

پی‌نوشت‌ها:

1. Designed Conviviality
2. Virtual Immersive Public Art
3. The Angel of the North
4. Mirror Mirror
5. Project 7000 Oaks
6. TeamLab Borderless Project

منابع

1. Abasgolizadeh, H. (2011). *Study of the effect of public art with emphasis on environmental sculpture in increasing urban space quality: The case of Tabriz*. Paper presented at the 5th Symposium on Advances in Science and Technology, Mashhad, Iran
2. Abbaszadeh, S. and Tamry, S. (2012). Analysis of Factors Affecting the Improvement of Pedestrian Walkway Spatial Quality and Pedestrian-oriented Spaces, in order to Increase the Social Interactions Level of People (The case study: Tarbiat & Valiasr axis, Tabriz metropolitan). *Motaleate Shahri*, 1(4), 95-104.
3. Abdollahifard, A. and Velayati, S. (2022). Investigating the effect of various types of public art in urban spaces on the perceived vitality of young people. *Journal of Geography and Planning*, 26(80), 223-203. <https://doi.org/10.22034/gp.2021.46313.2848>.

خوانایی و هنر زنده برای سرزندگی متمرکز شود، با در نظر گرفتن زیرساخت‌های لازم برای هنر دیجیتال و محیطی. این پژوهش راه را برای تحقیقات بیشتر در بهینه‌سازی تأثیرات اجتماعی و کالبدی هنر عمومی در فضاهای شهری باز می‌کند.

این پژوهش با تمرکز بر میدان شهدا در مشهد و داده‌های جمع‌آوری‌شده از ۲۴۰ کاربر، به دلیل وابستگی به بافت فرهنگی - مذهبی خاص این میدان، ممکن است تعمیم‌پذیری نتایج را تا حدی محدود کند. وجود هم‌خطی متوسط تا بالا ($VIF \approx 6.2$) در متغیر هنر تجسمی، به‌ویژه در تأثیر بر خوانایی ($f^2=1.039$, $\beta=1.082$)، ممکن است بر برخی ضرایب مسیر اثر گذاشته باشد. این هم‌خطی ممکن است ناشی از همبستگی‌های نسبتاً قوی و هم‌پوشانی مفهومی در سوالات پرسشنامه باشد. با این حال، معناداری آماری نتایج ($p < 0.0001$) و شاخص‌های کیفیت مدل (Cronbach's Alpha > 0.7 ، Reliability > 0.7 ، AVE > 0.5 ، SRMR=0.000) اعتبار یافته‌ها را تأیید می‌کنند. علاوه بر این، اثرات بلندمدت هنر عمومی و تأثیر عمیق‌تر عوامل فرهنگی-رفتاری به‌طور کامل بررسی نشده است.

برای بهبود تعمیم‌پذیری، پیشنهاد می‌شود مطالعه به میدان‌های شهری دیگر با تنوع فرهنگی گسترش یابد. تحلیل داده‌های دموگرافیک جمع‌آوری‌شده (مانند سن، جنسیت، تحصیلات و ... کاربران) با استفاده از روش‌هایی مانند تحلیل چند گروهی (Multi-Group Analysis یا MGA) در PLS-SEM یا رویکردهای کیفی توصیه می‌شود. این تحلیل می‌تواند تفاوت‌های ادراکی بین گروه‌های کاربری (مثل ساکنان محلی در مقابل زائران) را در پاسخ به مصادیق هنر عمومی، مانند هنر زنده یا تعاملی، روشن کند و به توضیح همبستگی‌های بالا (مثل 0.833 بین هنر تجسمی و دیجیتال) و کاهش هم‌خطی کمک نماید. استفاده از روش‌های ترکیبی (کیفی و کمی) درک عمیق‌تری از تأثیرات اجتماعی و فرهنگی فراهم می‌کند. مطالعات طولی برای ارزیابی پایداری و اثرات بلندمدت هنر عمومی پیشنهاد می‌شود. برای رفع هم‌خطی، استفاده از تحلیل مولفه‌های اصلی (PCA) یا مدل‌های سلسله‌مراتبی برای ترکیب متغیرهای هنری مرتبط توصیه می‌شود تا دقت مدل افزایش یابد. همچنین، ادغام داده‌های دموگرافیک



15. Carmona, M., Heath, T., Oc, T., & Tiesdell, S. (2003). Public places, urban space. Architectural Press.
16. Dadfar, T., Ghamari, V., & Mirmarashi, M. S. (2012). Street art and its role in enhancing the quality of urban spaces. Architecture and Urbanism in the Passage of Time Conference, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran.
17. Daneshpour, A. and Charkhchyan, M. (2007). Public Spaces and Factors Affecting Collective Life. *The Monthly Scientific Journal of Bagh-e Nazar*, 4(7), 19-28.
18. Daneshpour, A., Ebadi Amooghin, A. (2025), Urban renewal problem: Contrast between people and local officials in historic district in Ardakan, Yazd, Iran, *Community Development*, 1-20. <https://doi.org/10.1080/15575330.2025.2527792>.
19. Deutsche, R. (1996). Uneven development: Public art in New York City. In *Evictions: Art and spatial politics* (pp. 49–108). MIT Press. (Original work published 1988).
20. Egea-Jiménez, C., & Da-Costa-Gomes, P. C. (2023). Sociability in public spaces: An analysis based on the urban public scenes of the squares of the South Zone of Rio de Janeiro. *Revista de Geografía Norte Grande*, (84), 115–134. <https://doi.org/10.4067/S0718-34022023000300115>.
21. Elyasi, E., Zandieh, M., & Mahmoudi, A. (2017). Open design with emphasis on the social development of urban parks (Case study: Mahabad city parks). *Journal of Urban-Landscape Research*, 3(6), 25–42.
22. Erce, V., Kuşakçı, A. O., & Amiri, M. (2025). Evaluating urban square management success: A model for urban public spaces in Istanbul. *Urban Governance*, 5(2), 191-202. <https://doi.org/10.1016/j.ugj.2025.05.008>.
23. Falamaki, M. M. (1992). Formation of architecture in the experiences of Iran and the West. Nashr-e Faza Publications.
24. Farahbakhsh Daghigh, R. and Mohammadi, M. (2022). Investigating the Impact of Public Art on Everyday Life and Creative Consumption Action of Space; Case Study: City Theater Space in Tehran. *Armanshahr Architecture & Urban Development*, 15(39), 103-119. <http://dx.doi.org/10.22034/aaud.2022.235850.2234>.
25. Forgas, J. (2000). Psychology of social interaction: Interpersonal behavior (M. Firouzbakht & K. Beigi, Trans.). Mahd Publications. (Original work published 1978).
26. Forty, A. (2002). Square, but not square. *Building Design*, 1520, 12–14.
27. Gehl, J. (2010). *Cities for people*. Island Press.
4. Afzali, N., Mozafari Ghadikalaei, F., & Shabak, M. (2023). Assessing the Impact of Socialization Components on Enhancing Social Interactions and Residential Satisfaction in Urban Settlements: A Case Study of the Zeytoon Residential Complex in Sari, *spsich*, 2(2): 103-123.
5. Alavi Nasab Ashkezari, F., Boodaghpour, S., & Sabernezhad, J. (2019). Explanation of indicators and components of sociability in social spaces in Tehran: Case study of social and public complexes in Abbasabad lands. *New Perspectives in Human Geography*, 12(1), 325–344. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.66972251.1398.12.1.17.5>
6. Amirashayeri, M., Tahmasebi, A., & Sahabi, J. (2025). Identifying driving factors in organizing environmental quality to improve the sociability of urban spaces: Case study of Islamic Republic Street, Mahabad. *Journal of Future Cities and Villages*, 5(4), 1. <https://jvfc.ir/article-1-343-fa.html>.
7. Andrews, H. (2012). Another place or just another space?: Liminality and Crosby Beach. In *Liminal landscapes: Travel, experience and spaces in-between* (pp. 123–139). Routledge.
8. Armajani, S. (1995). *Espacios de lectura [Reading spaces]*. Barcelona: Museu d'Art Contemporani de Barcelona (MACBA).
9. Armajani, S. (2005). New art: Public art. *Tandis Magazine*, 2(46), 8–9.
10. Arvin, M., Ghane, M., & Pourahmad, A. (2022). Evaluating the use of public art capabilities in culture-based regeneration: Case study of Oudlajan neighborhood. *Journal of Applied Geographical Sciences Research*, 22(64), 181–199. <http://dx.doi.org/10.52547/jgs.22.64.181>.
11. Attar, F., Mazhari, M. E., & Afzali Behbehani, K. (2013). Evaluation of the role of performing arts in enhancing the quality of urban space. *Islamic Architecture and Urbanism Conference*, Tehran, Iran.
12. Bahrami Nikoo, M. and Sajjadzadeh, H. (2018). The Role of Public Art in Urban Place Making, Case Study: Tehran Urban Parks. *Armanshahr Architecture & Urban Development*, 11(23), 147-158.
13. Bolonaki, S. (2023). Public art: A review. Social and political practices. *European Journal of Creative Practices in Cities and Landscapes*, 6(2), 39–54. <https://doi.org/10.6092/issn.2612-0496/17051>.
14. Brennan, J. (2019). Public art and the art of public participation. *National Civic Review*, 108(3), 1–5. <https://www.nationalcivicleague.org/ncr-article/public-art-and-the-art-of-public-participation/>.

- Urban Art: A Case Study of Jahanshahr Neighborhood, Karaj. *Iranian Urban Design Studies*, 1(2), 299-320. <https://doi.org/10.22099/iuds.2025.52049.1019>
42. Kheyroddin, R., Daneshpour, A., Momeni, S. F. (2025), Observing and comparing the environmental qualities of urban spaces in shopping malls and bazaars: Evidence from Kourosh mall and Kaffashha traditional bazaar in Tehran, Iran, AIP Conf. Proc. 3292, 060021 (2025) <https://doi.org/10.1063/5.0266175>.
43. Koushki, N., Daneshpour, S. A. and Shokouhbidhendi, M. (2025). Influencing Factors on the Walkability of Historic Streets in Iran: Case of Beyhagh, Sabzevar. *Karafan Journal*, 21(4), 13-31. <https://doi.org/10.48301/kssa.2023.374528.2359>.
44. Knight, C. K. (2008). Public art policy: Examining an emerging discipline. *Public Art Review*, 19(2).
45. Krier, R. (1979). *Urban space*. Academy Editions.
46. Lacy, S. (1995). Cultural pilgrimages and metaphoric journeys. In S. Lacy (Ed.), *Mapping the terrain: New genre public art* (pp. 19–50). Bay Press. Seattle, Washington.
47. Lang, J. (2002). *Creating architectural theory: The role of behavioral sciences in environmental design* (A. Einifar, Trans.). University of Tehran Press.
48. Lenard, S. C. (1998). *Designing urban spaces and social life* (M. Pourrasoul, Trans.). *Architecture and Urbanism Journal*, 44–45, 25–32.
49. Li, L., Shukor, S. F. A., Mat Noor, M. S. B., & Hasna, M. F. B. (2024). The impact of virtual immersive public art on the restorative experience of urban residents. *Sustainability*, 16(21), 9292. <https://doi.org/10.3390/su16219292>.
50. Lynch, K. (2002). *A theory of city form* (S. H. Bahrainy, Trans.). University Publication. (Original work published 1960).
51. Mehan, A. (2016). Public squares and their potential for social interactions: A case study of historical public squares in Tehran. *International Conference on Urban and Regional Studies (ICURS 2016)*, 10. <https://doi.org/10.13140/RG.2.1.2153.8323>.
52. Mehan, A., & Alikhani, S. (2025). Demographic dynamics and art engagement: Urban development in Lubbock and El Paso, Texas. *Estoa. Revista de la Facultad de Arquitectura y Urbanismo de la Universidad de Cuenca*, 14(28), 163–177. <https://doi.org/10.18537/est.v014.n028.a12>.
53. Mela, A., Tousi, E., & Varelidis, G. (2025). Assessing urban public space quality: A short questionnaire approach. *Urban Science*, 9(3), 56. <https://doi.org/10.3390/urbansci9030056>.
28. Gehl, J. (2011). *Life between buildings: Using public space*. Island Press.
29. Ghafari Gilandeh, A., Vaezi, H. and Dadazadeh, P. (2020). Exploring the Quality of the Effect of Urban Art Components on Promoting the Populism of Ardebil Saheli Park. *Geographical Urban Planning Research (GUPR)*, 8(3), 557-575. <https://doi.org/10.22059/jurbangeo.2020.298339.1236>.
30. Gharib, F. (1997). Designing urban squares. *Honar-haye Ziba Journal*, 1(2), 33–42.
31. Guedoudj, W., Ghenouchi, A., & Toussaint, J. Y. (2020). Urban attractiveness in public squares: The mutual influence of the urban environment and the social activities in Batna. *Revista Brasileira de Gestão Urbana*, 12, e20190162. <https://doi.org/10.1590/2175-3369.012.e20190162>.
32. Habermas, J. (2009). *The structural transformation of the public sphere* (J. Mohammadi, Trans.). Afkar Publications. (Original work published 1962).
33. Hair, J. F., Hult, G. T. M., & Sarstedt, M. (2017). *A primer on partial least squares structural equation modeling (PLS-SEM)*. Sage Publications.
34. Hajimokhtari Toranpooshti, Z. (2023). Factors Affecting the Quality of Urban Spaces through Environmental Art Case Study: Park-e Daneshjoo and City Theater Area. *Art of Green Management*, 1(4), 57-71. <https://doi.org/10.30480/agm.2022.4384.1029>.
35. Hein, H. (2007). *Public art* (S. Vaghefipour, Trans.). Academy of Art Publications. (Original work published 2006).
36. Hensley, L., (2010). *Art for All: What is Public Art?*, Heinemann/ Raintree
37. Hoop, M., Kirchberg, V., Kaddar, M., Barak, N., & de Shalit, A. (2022). Urban artistic interventions: A typology of artistic political actions in the city. *City, Culture and Society*, 29, 100449. <https://doi.org/10.1016/j.ccs.2022.100449>.
38. Hunting, D., (2005). *Public art policy: Examining an emerging discipline. Perspectives in Public Affairs*. 2, 1-7.
39. Javan Majid, J. and Negari, M. (2020). Assessment of Sociopetalty Components of City Hall; Case Study: Ardabil. *Armanshahr Architecture & Urban Development*, 12(29), 211-229. <https://doi.org/10.22034/AAUD.2019.94401.1264>.
40. Jiang, X., Wu, Q., Jia, Q., et al. (2025). Research on the influential elements of user-centred digital art design for public space. *Scientific Reports*, 15, 15252. <https://doi.org/10.1038/s41598-025-99821-z>.
41. Karimkhan, S., Ranjbar, E. and Behzadfar, M. (2025). *Locating Suitable Public Spaces for the Formation of*



- environment, International Conference Sustainable urban areas.
65. Pakzad, J. (2006). Urban spaces design guideline in Iran. Payam Sima Publication.
 66. Philips, P. (1988). Out of order: The public art machine. *Art Forum*, 27(4), 93–96.
 67. Ravanbakhsh, A., & Mirabadi, M. (2018). An explanation and analysis of the socialization in urban parks with emphasis on the rule of the underlying and demographic factors (Case Study: Yasouj City Beach Park). *Journal of Urban Design Studies and Urban Research*, 9(33), 111-124. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.22285229.1397.9.33.8.7>.
 68. Remesar, A. (Ed.). (2005). Urban regeneration: A challenge for public art. University of Barcelona Publications.
 69. Rostami, M. , Sarvi Zargar, R. and eyni, H. (2017). Reflections on the Public Art: Comparative Case Study of the Elgolou Park in Tabriz (Iran) and Lampini Park in Bangkok (Thailand). *The Monthly Scientific Journal of Bagh-e Nazar*, 14(49), 57-68.
 70. Safdarnejad, S. . M. , Daneshpour, S. A. and Behzadfar, M. (2022). Analytical Study of Urban River Regeneration as a Sustainable Public Place and Explanation of its Conceptual Model; Case studies: Balgholi Chai (Ardabil), Zayandehrood (Isfahan), Karun (Ahvaz), Zarjoub (Rasht). *Journal of Iranian Architecture & Urbanism(JIAU)*, 13(2), 89-110. <https://doi.org/10.30475/isau.2022.248179.1512>.
 71. Siavashpour, B., Abron, A. A., & Mousavi, S. M. (2019). *Design approaches for sociable urban public spaces derived from third place characteristics. Quarterly Journal of Urban Design Studies and Urban Research*, 2(4), 33.
 72. Shahabian, P., & Haghighi, R. (2012). Analysis of the role of public arts in the success of urban space: Naqsh-e Jahan Square, Isfahan. *Journal of Urban Identity*, (19), 89–100. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.17359562.1393.8.19.7.4>
 73. Shojaee, D. and Partovi, P. (2015). Analysis of Factors Affecting the Creation and Promotion of Sociability in Public Spaces in Different Scales of Tehran City (Case studies: Two Neighborhoods and an Area in District 7 Tehran). *The Monthly Scientific Journal of Bagh-e Nazar*, 12(34), 93-108.
 74. Sitte, C. (1889). The art of building cities: City building according to its artistic fundamentals (G. R. Collins & C. C. Collins, Trans.). Reinhold Publishing Corporation.
 75. Soltanzadeh, H. (1993). Urban spaces in Iran's historical fabrics. Cultural Research Bureau.
 54. Mikuni, J., Dehove, M., Dörrzapf, L., Moser, M. K., Resch, B., Böhm, P., Prager, K., Podolin, N., Oberzaucher, E., & Leder, H. (2024). Art in the city reduces the feeling of anxiety, stress, and negative mood: A field study examining the impact of artistic intervention in urban public space on well-being. *Wellbeing, Space and Society*, 7, 100215. <https://doi.org/10.1016/j.wss.2024.100215>.
 55. Milani, M., & Asarzadeh, M. (2024). Study of the relationship between urban environmental form and sociability: Case study of Haft-e-Tir Square. *Environmental Studies Journal*, 50(3), 329–347.
 56. Miles, M. (Ed.). (1994). Art in public space. Winchester: Winchester School of Art Press
 57. Mohajer Milani, A. and Assarzadeh, H. (2024). An Inquiry into Sociability through Spatial Configuration of Urban Environment A Case Study of Haft-tir Square. *Journal of Environmental Studies*, 50(3), 325-347. <https://doi.org/10.22059/jes.2024.374539.1008488>.
 58. Mohammadi, M. and Ayatollah, M. H. (2015). Effective Factors in Promoting Sociability of Cultural Buildings Case Study: Farshchian Cultural Academy in Isfahan. *Journal of Architecture and Urban Planning*, 8(15), 79-96. <https://doi.org/10.30480/aup.2015.12>.
 59. Mohammadi Salek, M. and Asgari, A. (2022). Influential Factors in the Realization of the Third Place in Informal and Sociable Urban Spaces (Case Study: Informal Sitting Spaces Inside Tehran's Cultural and Commercial Complexes). *Journal of Urban Sustainable Development*, 3(7), 83-97. <https://doi.org/10.22034/usd.2022.698441>.
 60. Mohammadzade, S., Ghasemi, M., Norozi, M., Nikpor, M. (2021). Identification and Analysis of Factors Improving Social Life in Urban Public Spaces with Focus on Enclosure and Sociability. *JHRE*. 40(173), 33-48. <https://doi.org/DOI:%2010.22034/40.173.33>.
 61. Mokhtari-Haji Turan-Poshti, Z. (2021). Factors affecting the enhancement of urban space quality through environmental art: Case study of Theater City and Daneshjoo Park. *Green Management Art Journal*, 3(4), 57–71.
 62. Moradi, S. (2007). Integration of public art and its integration in urban space. *The Monthly Scientific Journal of Bagh-e Nazar*, 4(8), 81-90.
 63. Moughtin, J. C. (2003). Urban design: Street and square (3rd ed.). Elsevier Ltd.
 64. Ozsoy, A, Bayram, B. (2007), The role of public art for improving the quality of public space in the residential

- public art in urban spaces on the perceived vitality of women in Ardabil. *Motaleate Shahri*, 12(48), 55-68. <http://dx.doi.org/10.34785/J011.2022.025>.
82. Zhu, T. (2024a). Defining public art and how it can interact with sustainability. Arts Management and Technology Laboratory. <https://amt-lab.org/blog/2024/6/defining-public-art-and-how-it-can-interact-with-sustainability>.
83. Zhu, T. (2024b). Three case studies intersecting sustainability, public art, and urban planning. Arts Management and Technology Laboratory. <https://amt-lab.org/blog/2024/6/three-case-studies-intersecting-sustainability-public-art-and-urban-planning>.
84. Zayyari, K., & Mansouri Etminan, A. (2023). *Assessment and analysis of social acceptance in urban spaces (Case study: Bagh-e Vakilabad, Mashhad)*. *Journal of New Researches in the Smart City*, 2(1), 53–66.
85. Zucker, P. (1959). *Square in space and time: Town and square from the Agora to the Village Green*. Columbia University Press.
76. Swartjes, B., & Berkers, P. (2022). Designing conviviality? How music festival organizers produce spaces of encounter in an urban context. *Leisure Sciences*, 47(2), 411–428. <https://doi.org/10.1080/01490400.2022.2106328>.
77. Vadadi-Moghadam, N. (2011). *Public arts and their role in vitality of urban spaces* (Master's thesis, Faculty of Architecture and Urban Planning, Islamic Art University of Tabriz, Tabriz, Iran).
78. Vahdat, S., & Sajjadzadeh, H. (2016). Investigation and evaluation of the role of urban art in increasing the sociability of public spaces with an emphasis on urban graphics: Case study of Hamedan People's Park. *Research in Art Journal*, 6(11), 25–38. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.23453834.1395.6.11.7.0>.
79. Webb, M. (1990). *The city square*. Thames & Hudson.
80. Yaseen, A. (2017). Sociability in public spaces: A review of concepts and measurements. *Urban Studies Journal*, 54(10), 2301–2318.
81. Yazdani, M. H. , abdolahi fard, A. , velayati, S. and saeidi zarangi, S. (2023). The effect of various types of